



برنج کاری در رامسر

شهرستان رامسر از وسعت کمی برخوردار است و بخش اعظم آن کوهستانی می باشد. اراضی مستعد کشاورزی آن در مقایسه با سایر شهرستانهای مجاور به لحاظ نزدیکی میان کوه و دریا ناچیز است با این وصف اگر مساعدتهای لازم بشود سطح تولید فرآورده های کشاورزی و دامی بالا بوده و نه تنها نیاز مردم منطقه را بر آورده می سازد بلکه قادر به صدور ارقام قابل توجهی از محصولات کشاورزی و دامی به شهرستانها و احیاناً به خارج از کشور خواهد بود.

قسمت جلگه ای رامسر عرض کمی دارد و به علت فاصله کوتاه رشته های اصلی البرز با دریای خزر، رودها فرصت جلگه سازی پیدا نمی کنند^۱ از این رو وسعت جلگه ها ناچیز و بسیار محدود است،^۱ مزارع برنج، باغهای چای و مرکبات و اخیراً کیوی را تشکیل می دهد و بخش اعظم کوهپایه ها و ارتفاعات اطراف نیز زیر کشت چای و مرکبات قرار دارد. اراضی کشاورزی به خاطر وجود رودخانه های متعدد در فصل تابستان کمتر دچار کم آبی و احیاناً بی آبی می شوند. تغییر اوضاع جوئی در فصلهای بهار و تابستان و ریزش نسبتاً چشمگیر باران در این امر کمک فراوانی می نماید. با این وجود در نیم قرن گذشته به سبب اتخاذ سیاست های غلط اقتصادی رژیم سابق که صادرات کشور را بر پایه اقتصاد تک محصولی نفت قرار داده بود، تولید فرآورده های کشاورزی و دامی در سطح خیلی پایین نگه داشته شده بود و در قبال صدور میلیونها بشکه نفت یا طلای سیاه در روز، بلای سیاه وارد کشور می شد یعنی خروج بی رویه بیش از پیش

۱. جغرافیای کامل ایران، ج ۲، ص ۱۱۱۷.

۲. همان منبع، ج ۲، ص ۱۱۳۹.

ذخایر زیر زمینی که متعلق به نسلهای حاضر و آینده ایران است به دست میراث خواران استعمار و ورود مواد غذایی و انواع اجناس لوکس و تجملی. مضافاً مبالغ زیادی صرف ورود انواع سلاحهای از رده خارج شده آمریکایی و انگلیسی و دیگر کشورهای استعمارگر شرق و غرب می گردید و کاربرد این گونه سلاحها فقط برای سرکوب نا آرامی های داخلی بود.

تنها نقطه روشنی که در این نیم قرن وجود داشت دوران طلایی حکومت ملی دکتر مصدق سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۲ بود که به دنبال ملی شدن صنعت نفت و قطع دست جهانخواران استعمارگر به ویژه انگلیس یاروباه پیر استعمار و ایدادی داخلی آنها صدور نفت به خارج تحت کنترل شدید دولت ملی بود، کشاورزی ایران به ویژه کشت چای و پنبه رونق خاصی یافت و دولت با حمایت مؤثر خود از قشر کشاورز میزان فرآورده های کشاورزی را به سطح خیلی بالایی رساند و با صدور گوشت به خارج به حمایت از دامداران برخاست. مازاد بر مصرف چای، مرکبات، پنبه و دام به کشورهای نظیر آلمان، شوروی سابق و بعضی امیر نشین های حاشیه خلیج فارس صادر می شد مضافاً به صنایع داخلی به ویژه نساجی توجه بیشتری مبذول گردید. پارچه بافت کارخانه کازرونی اصفهان، لباس رئیس دولت و اکثر رجال مملکت شد و با این ترتیب قشر کشاورز و دیگر اقشار پی به هویت و شخصیت ممتاز ایرانی خود برده و تازه به این نتیجه رسیده بودند که ایرانی همیشه سربلند است و در سایه اتحاد و رهبری خردمندان و رجال دلسوز می تواند پوزه استعمار را به خاک بمالد و دست عمال داخلی آنان را قطع کند. مملکت با تمام منابع تحت الارضی خویش به دست ملت افتاده بود و یاد دوران طلایی حکومت امیر کبیر را پس از گذشت سالهای متمادی در خاطره ها زنده می کرد. اما دیری نپایید که جهانخواران استعمارگر خواب تازه ای برای ملت ستم دیده ایران دیدند و بادست مزدوران و خود فروختگان داخلی اقدام به براندازی حکومت ملی و قانونی نمود تا دربار فاسد پهلوی را که دستشان از این ملت و مردم کوتاه شده بود دوباره حاکم بر مملکت نمایند هر چند ملت شریف ایران باقیام ملی سی ام تیر ۱۳۳۰ ش و سرنگون کردن دولت دست نشانده احمد قوام و نیز با خنثی نمودن توطئه نهم اسفند ۱۳۳۱ ش به سردمداری اوباش و ارادلی چون شعبان جعفری معروف به شعبان بی مخ به حمایت از دولت ملی برخاست اما توطئه های براندازی حکومت مردمی گسترده تر از آن بود که دولت و ملت فکر آن می کرد.

فرار شاه از رامسر به بغداد

ماجرای فرار شاه از رامسر شاید برای اولین بار است که بازگو می‌شود. بعضی از نویسندگان به اشتباه فرار شاه را از کلاردشت به بغداد نوشتند و متأسفانه اغلب مورخان دچار چنین اشتباه شده‌اند. نگارنده که در آن ایام طلبه هجده ساله بوده و برخلاف رسم طلبگی آن عصر که یک طلبه می‌بایست از آشنایی با سیاست بدور باشد، در حمایت از دولت ملی و قانونی وقت و علاقه به میهن، سری پرشور داشت و از خوانندگان علاقمند روزنامه باختر امروز به ویژه مقالات تند و انقلابی آزاده شهید دکتر سیدحسین فاطمی وزیر وقت خارجه ایران بود قضیه فرار شاه را از نزدیک دنبال می‌کرد.

۲۴ مرداد ۱۳۳۲ش شاه از تهران به کلاردشت گریخت اما در آنجا احساس خطر کرد و عازم رامسر شد و بی آنکه کسی اطلاع یابد خواست خود را به فرودگاه برساند. فرودگاه رامسر در آن زمان خاکی و فاقد امکانات فنی و پروازی بود و فقط هواپیماهای کوچک و سبک می‌توانستند در آن فرود آیند و این فرودگاه مختص دربار فاسد پهلوی بود و راه ورود به آن در فاصله کمی از پل رودخانه نمک آبرود (ابتدای بلوار فعلی) قرار داشت. مرحوم نعمت‌الله سادات محله‌ای در آنجا نگهدارنده بود. شاه به محض ورود به رامسر وارد فرودگاه شد و به نگهدارنده فرودگاه دستور داد که راه را با ریختن آت آشغال بند آورد و با وعده انعام، به او سفارش کرد که اگر کسانی سراغ او را گرفتند اظهار بی‌اطلاعی نماید! ذکر این نکته ضروری است که راه ورود به فرودگاه تنگ و باریک و پراز دست انداز بود و یک اتومبیل به سختی می‌توانست از آن عبور کند و محوطه فرودگاه محصور نبود و فقط بوته‌های تمشک که اطراف آن را فرا گرفته بود به منزله حصار فرودگاه به شمار می‌آمد.

شاه و همسرش ثریا خود را به گوشه‌ای در فرودگاه رسانده و پنهان شدند. چندی نگذشت که گروهی مسلح از تهران به تعقیب شاه و همسرش به کلاردشت رفتند و چون او را نیافتند به رامسر آمدند و در برخورد با نگهدارنده فرودگاه که در ابتدای جاده فرعی ورودی فرودگاه آلونکی داشت از وی سراغ شاه را گرفتند و او اظهار بی‌اطلاعی کرد اما آنان زیربار نرفتند و بر او فشار آوردند تا نشانی شاه را بگویند و او مقاومت کرد و گفت: این راه متروکه است و راه اصلی ورود به فرودگاه در انتهای خیابان کازینو قرار دارد.

تعقیب کنندگان راه کازینو را در پیش گرفتند اما دیگر هوا تاریک شده بود و یافتن شاه در خرابه‌های اطراف فرودگاه غیرممکن به نظر می‌رسید، مضافاً این که نگهدارنده

فرودگاه پیوسته اظهار بی اطلاعی از ورود شاه به فرودگاه می کرد از این رو دست از تعقیب و دستگیری وی کشیدند.

شاه و همسرش شب را در همان خرابه های اطراف فرودگاه گذراندند و ساعت ۷ بامداد با ورود هواپیمای اختصاصی به خلبانی سرگرد خاتم^۱ سوار بر آن شده و به سوی بغداد پرواز کردند. می گویند شاه در هنگام سوار شدن به هواپیما چنان وحشت زده بود حتی فرصت نیافت کلاه خود را که روی زمین افتاده بود بردارد و با عجله می خواست سوار هواپیما شود و جان خود را نجات بخشد شاه از رامسر به بغداد و از آنجا به رم گریخت. سه روز بعد یعنی روز ۲۸ مرداد کودتای ننگین آمریکایی به سرکردگی سرلشکر فضل الله زاهدی به وقوع پیوست و حکومت سرنگون گردید و شاه فراری به ایران برگردانده شد. قرارداد نفت امینی پیچ تحت عنوان کنسرسيوم نفت منعقد گردید و لوله های نفت به سوی جهان غرب باز شد. عمال فاسد رژیم هریک به این سفره گسترده نفت چنگی انداختند و ثروت ملی را غارت کردند و با پول های باد آورده همچون سیل بنیان کن به سوی اراضی ساحلی دریای خزر از جمله رامسر سرازیر شدند.

نابودی اراضی کشاورزی

نابودی اراضی کشاورزی زمانی آغاز شد که تازه آسفالتکاری شاهراه ساحلی گیلان و مازندران به پایان رسیده بود، نو کیسه های رژیم باپولهای باد آورده به خرید اراضی ساحلی و زراعتی پرداختند و شهرکها و ویلاهای جورواجور همچون قارچ در گوشه و کنار از دل خاک سر برافراشتند. اینان برای نابودی اراضی کشاورزی نقشه ها طرح کردند و علاوه بر خرید اراضی ساحلی به مزارع برنج و باغهای مرکبات هجوم می بردند و مزرعه یا باغی را انتخاب می کردند و به بهای گزافی که برای کشاورز باور نکردنی بود می خریدند و ویلا سازی می کردند. صاحبان اراضی مجاور بی آنکه عاقبت اندیش باشند به طمع می افتادند و مزرعه یا باغ خود را می فروختند و از این که خود و اعضای خانواده شان از رنج و زحمت کشاورزی رهایی یافته و پول باد آورده ای به دست آورند اظهار مسرت می نمودند، چرا که دیگر نه غم و غصه فروش محصول کشاورزی

۱. این شخص بعدها با فاطمه خواهر شاه ازدواج کرد و تا درجه ارتشبدی ارتقاء مقام یافت اما سرانجام در یک سانحه هوایی که ظاهراً عمدی بود جان خود را از دست داد.

۲. از یادداشت های مؤلف.

خود را که بهای آن روز به روز در حال نقصان بود داشتند و نه برای بی پولی و فقر و فلاکت در رنج و عذاب بودند و با پولی که به دست آورده بودند می توانستند بهترین امکانات زندگی برای خود فراهم آورند با این ترتیب بسیاری از مزارع و باغهای مرکبات که میراث و یادگار ارزشمند پدرانشان بود از چنگشان بیرون رفت و پولی که داشتند نمی دانستند چگونه به مصرف برسانند، در نتیجه بیشتر این پولها صرف رفاه خانواده و احياناً خوشگذرانی گردیده و برباد رفت و موقعی بیدار شدند که دیگر نه زمینی برایشان ماند و نه پولی که بتوان با آن امرار معاش کرد، لاجرم به باغبانی و سرایداری همان ویلاها گمارده شدند. این وضع به نحو چشمگیری در رامسر مشهود بود تا جایی که سطح زیر کشت برنج به ۱۳۰۰ هکتار تنزل یافت و مردم این ناحیه بیشتر برنج مصرفی خود را از نقاط دیگر تأمین می نمودند.

نکته ای که باعث ناراحتی است این است که اخیراً تب کیوی کاری سراسر شهرستان را فرا گرفته است، اراضی شالیکاری و باغهای مرکبات مبدل به باغ کیوی می شود متأسفانه از سوی مقامات محلی هیچگونه ممانعتی به عمل نمی آید و این زنگ خطری برای نابودی مزارع برنج و باغهای مرکبات می باشد.

قسمت کوهستانی: پوشش گیاهی منطقه به سه قسمت: جنگل، مرتع و کشتزار تقسیم می گردد.^۱ اراضی کوهستانی که قابل زراعتند عبارتند از: جواهر ده و روستاهای تابعه، جنت رودبار و روستاهای تابعه و بالا اشکور. این اراضی مستعد کشاورزی بوده و از آب و هوای مناسب برخوردارند. مهمترین فراورده های کشاورزی این مناطق: گندم، جو، ارزن (در بالا اشکور) نخود، لوبیا، سیب زمینی، سیب، به، گردو، آلوچه سیاه و فندق می باشد. در گذشته نه چندان دور بسیاری از این اراضی زیر کشت گندم و جو بود اما امروزه متأسفانه به علت جاذبه کاذب شهر نشینی بسیاری از آن بایر است و اگر توجهی بدان مبذول نگردد دیر یازود همه این اراضی بایر و یا متروکه خواهد شد.

چای

بوته چای مانند شمشاد همیشه سبز است و عمری طولانی دارد و از نوع کاملیا می

باشد.^۱ جایگاه اصلی چای، چین و به قولی آسام واقع در کشور هند است و سابقه اش به بیش از چهار هزار سال می‌رسد.^۲ با سابقه‌ترین و قدیمی‌ترین نوع چای در جهان همان چای چینی است که در ۴۶۰۰ سال قبل شناخته شده است.^۳

کشت چای در ایران

بیش از یک قرن است که بذر چای وارد ایران شد. برای نخستین بار این بذر به وسیله حاج محمد حسین اصفهانی به سال ۱۳۰۲ هـ. ق در عهد سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از خارج وارد و به دست وی کاشته شد اما به عللی پیشرفت حاصل نکرد و کشت آن متوقف شد. هفده سال بعد بود که به همت و تلاش مرحوم حاج محمد میرزا چایکار معروف به کاشف السلطنه که در آن زمان ژنرال کنسول ایران در هند بود، بذر چای به ایران آورده شد. وی به سال ۱۳۱۹ هـ. ق برابر با ۱۲۷۸ ش با تحمل زحمات و مشقات زیاد توانست بذر چای را از هند به شمال ایران بیاورد و کشت آن را در لاهیجان آزمایش کند.^۴

پس از آن که مسلم شد منطقه یاد شده از نظر مساعد بودن زمین و آب و هوا مستعد کشت چای است و شباهت زیادی به آب و هوای هندوستان دارد، زراعت انحصاری چای به کاشف السلطنه واگذار گردید و نخستین مکانی که برای احداث باغ چای در لاهیجان انتخاب شد موضعی است به نام چهارماهانه سر واقع در نزدیکی لاهیجان که در دامنه کوه قرار دارد.

انحصاری شدن کشت چای سبب گردید که جز کاشف السلطنه کسی اجازه کشت بذر چای نداشته باشد و اگر کسی می‌خواست اقدام به احداث باغ چای کند از سوی مأموران دولتی تحت پیگرد قرار می‌گرفت و مجازات می‌شد و این اقدام سبب رکود و عدم توسعه زراعت چای شد، تا آن که به سال ۱۳۰۶ ش امتیاز انحصاری لغو گردید

۱. روزنامه اطلاعات، مورخه ۲۳/۱۰/۱۳۶۳ ش، قسمت اقتصادی، ص ۴.

۲. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۴۳.

۳. مختصری از تاریخچه کشت چای در ایران، صص ۲۵ و ۶۷.

۴. همان منبع.

و دولت این زراعت سودمند را مورد توجه قرار داد و مردم نیز به منافع آن پی بردند.^۱

کشت چای در تنکابن

به دنبال ورود بذر چای و کشت آن به دست کاشف السلطنه در لاهیجان، محمد ولیخان نصر السلطنه سپهسالار (سپهسالار تنکابنی) که در آن زمان حاکم گیلان بود پس از اطلاع از این عمل کاشف السلطنه، به خاطر علاقه مندی به زادگاه خود تنکابن، دستور داد مقداری از همان بذر چای را که در لاهیجان کاشته شده بود به تنکابن ببرند و در آن جا به طور آزمایشی بکارند. نتیجه این اقدام مثبت بود بدین ترتیب کشت چای همزمان در دو نقطه شمال ایران (لاهیجان و تنکابن) آغاز شد.^۲ و باین نتیجه بخش بودن این اقدامشان پس از گذشت بیش از یک قرن، بخش اعظم اراضی گیلان و قسمتی از مازندران غربی (از تالش تا نزدیکی های چالوس) زیر کشت چای رفت.^۳

کشت چای در رامسر

پس از ورود بذر و نهسال چای به تنکابن که در سال ۱۳۱۹ هـ. ق انجام گرفت^۴ کشت چای در تنکابن توسعه یافت و چندین مزرعه چای نیز در رامسر به ویژه در طالش محله فتوک رامسر احداث گردید و هرکس اندک سرمایه ای داشت در امر چایکاری به جریان انداخت. امروزه باگذشت نزدیک به یک قرن، دو هزار و چهارصد هکتار از اراضی شهرستان رامسر زیر کشت چای قرار گرفته که بخشی از آن جلگه ای و بخش دیگر کوهپایه ای است.

در سادات محله رامسر مرحوم ارباب سید حسین «یکی از سادات میر حسینی سادات محله» نخستین کسی بود که اقدام به احداث باغ چای نمود.

تأسیس بنگاه خرید چای و افزایش سطح زیر کشت چای

برای تشویق کشاورزان نخستین بنگاه خرید چای در سال ۱۳۰۹ ش در تنکابن تأسیس شد و مبادرت به خرید چای املاک اختصاصی^۵ گردید و به دنبال آن کشاورزان به

۱. کتاب فلاحت، ص ۱۳۴.

۲. مختصری از تاریخچه کشت چای در ایران، ص ۳۴.

۳. روزنامه اطلاعات، مورخه ۲۳/۱۰/۱۳۶۳، قسمت اقتصادی، ص ۴.

۴. مختصری از تاریخچه کشت چای در ایران، ص ۳۴.

۵. املاک جمع ملک است. این واژه در زمان پهلوی اول مفهوم خاصی یافته و اطلاق به املاک وی ←

چایکاری روی آوردند و در نتیجه کشت چای فوق العاده توسعه یافت و در سال ۱۳۱۹ ش یعنی باگذشت ده سال سطح اراضی زیر کشت چای به ششصد هکتار رسید و بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش مردم گیلان و مازندران به توسعه بیش از پیش کشت چای پرداختند. از چایکاران حمایت بیشتری به عمل آمد چه در این سال تصمیم گرفته شد همه ساله مبلغی به عنوان مساعده به چایکاران پرداخت گردد و هنگام خرید چای مستهلک شود. این مساعده در سال ۱۳۲۷ ش برای هر هکتار پنجصد ریال معین گردید. این گونه تشویقها سبب گردید سطح کشت چای در سال ۱۳۲۹ ش به هفت هزار هکتار و در سال ۱۳۳۰ به ۱۰۲۸۱ هکتار افزایش یابد.^۱

سیر تکاملی چای سازی

پیش از آن که کارخانه چای سازی تأسیس و دایر شود چایکاران در منازل خود به امر چای سازی می پرداختند، نخست برگ چای را از بوته جدا می کردند و در ایوان یا حیاط خانه برای پلاس پهن می نمودند آنگاه عمل مالش وسیله یک یا چند نفر که غالب شان مرد بودند در ظرف بزرگ چوبین شبیه به خوانچه اما گودتر که آن را «لاک» می نامند انجام می گرفت. کف لاک دارای برجستگی های کندکاری شده به شکل دایره بود تا بابر خورد غنچه های پلاسیده چای بر اثر فشار و مالش شکسته شود. عمل مالش بادست یا پا آن قدر ادامه می یافت تا عمل تخمیر انجام گیرد سپس چای تخمیر شده در فضای باز روی حصیر پهن می کردند تا در معرض تابش آفتاب قرار گیرد و خشک شود. در بعضی مواقع بر اثر بارندگی مداوم چای ترشیده و فاسد می شد.

بعدها مبتکران محلی دستگاه مالش آبی ساختند. این دستگاه مانند آسیای آبی دارای پروانه بود که بر اثر فشار آب، پروانه ها به چرخش در می آمد و مالش آبی را به کار

← می شد و پس از استعفایش از سلطنت به املاک و اگذاری موسوم گردید. (فرهنگ معین ذیل واژه املاک) شایان ذکر است که پهلوی اول املاک مردم مازندران و گیلان شرقی را به عنف به بهای ناچیزی خریداری نموده و برای اداره این املاک در شهرها و بخش ها اداره ای تحت عنوان اداره املاک اختصاصی دایر کرد و مأمورانی چون مهندس کسروی رئیس وقت املاک تنکابن را بر جان و مال مردم مسلط نمود. پس از سقوط پهلوی اول و روی کار آمدن پهلوی دوم مبدل به املاک و اگذاری شد و کار عمده اش استرداد املاک به، صاحبانشان بود.

می انداخت. ظرفیت این دستگاه زیاد نبود و طی مدت سه ربع ساعت، چای را مالش داده و تخمیر می کرد.

نخستین مبتکری که دستگاه مالش آبی ساخت مرحوم سید عباس پیر سعیدی از اهالی چپر سر رامسر بود وی آن را در چپر سر راه اندازی نمود و با ظرفیت محدودی که داشت تا حدودی نیاز مردم محل را با رعایت نوبت برطرف می نمود و چندی بعد مرحوم سید محمد بنی هاشمیان معروف به بنی هاشمی یکی از سادات آخوند محله رامسر که کارمند اداره کشاورزی بود نظیر آن دستگاه را در باغ خود واقع در آخوند محله نصب و راه اندازی کرد. سوم کسی که اقدام به راه اندازی دستگاه مالش آبی چای نمود مرحوم محمد حسین قاسم زاده نحوی بود که در مجاورت خانه خود در کندسر آخوند محله (محوطه فعلی آقای مصطفی الهیان) آن را به کار انداخت و طبق نوبت از پیش تعیین شده به صورت شبانه روزی در ایام بهره برداری چای مورد استفاده قرار می گرفت. نگارنده به یاد دارد در بعضی شبهای گرم آخر بهار، برگ چای را برای مالش بدانجا می برد و خاطرات شیرینی از آن شبها به ویژه سخنان شیرین و طنز آمیز مرحوم محمد حسین قاسم زاده را به یاد دارد. امروزه فقط یک دستگاه مالش آبی در لات محله فعال است.

فر یا دستگاه دستی چای خشک کنی

فر دستگاهی بود چوبین به شکل مکعب با سربندی به شکل هرم با چندین کتو. کف کتوها از تور سیمی بود. دستگاه فر روی کوره ای که برای همین منظور و متناسب با حجم فر ساخته شده بود قرار می گرفت. چای مالش داده شده به میزان کافی در کتوها ریخته شده و با حرارتی ملایم داخل کتوها گرم می شد. ماده سوختی کوره، ذغال بود. حرارت کوره به میزانی بود که چای را نسوزاند. یک نفر به طور مداوم مراقب فر بود تا دمای کوره کم یا زیاد نشود و هر چند دقیقه یک بار چای داخل کتوها را زیر و رو می کرد. این عمل چندین بار تکرار می شد تا چای کاملاً خشک شود.

کارخانه های چای سازی

قدیمی ترین کارخانه های چای سازی منطقه تنکابن عبارتند از: کارخانه چای سازی کلارآباد، کارخانه چای سازی شعیب کلایه و کارخانه چای سازی قلعه گردن خرم آباد. این کارخانه ها دولتی بوده و در عصر پهلوی اول تأسیس شدند. نخستین کارخانه چای سازی که در ایران در شهر لاهیجان تأسیس شد کارخانه چای سازی اُختیف آلمانی بود

و دومین کارخانه را احمد قوام «قوم السلطنه» در لاهیجان بنا کرده بود.

کارخانه های چای سازی رامسر

- ۱ - کارخانه چای سازی کتالم رامسر که در سال ۱۳۲۸ ش تأسیس شد.
- ۲ - کارخانه چای سازی صفا چای که در تاریخ ۴/۴/۱۳۳۰ ش افتتاح گردید.
- ۳ - کارخانه چای سازی سادات محله که در سال ۱۳۳۱ ش مورد بهره برداری قرار گرفت.

- ۴ - کارخانه چای سازی تالار سر رامسر که به سال ۱۳۳۴ ش گشایش یافت.
- ۵ - کارخانه چای جهان حدوداً سال ۱۳۳۴ ش با ظرفیت خیلی زیاد در ابریشم محله رامسر سمت جنوبی خیابان شهید مطهری تأسیس گردید اما متأسفانه پیش از انقلاب دچار آتش سوزی شد و از میان رفت.

- ۶ - کارخانه چای سازی مرحوم سید حسین بنی هاشمی در کمتر رامسر که بعد از فوت وی کارخانه برچیده شد.

چگونگی پرورش و مرغوبیت چای

بوته چای اگر هرس نشود ارتفاع آن به ده متر می رسد^۱ و در این صورت عمل برگ چینی غیر ممکن خواهد بود از این رو هرس امری الزامی است. برای آن که محصول چای مرغوب تر و با کیفیتی بهتر باشد، باید تمام سطح باغ چای را شخم زمستانی کرد و نیز چندین نوبت در بهار و تابستان عمل کاشت انجام داد.

عمر مفید بوته های چای حدوداً ۵۰ سال است و مانند شمشاد همیشه سبز و از نوع کاملیا می باشد و معمولاً پس از چهار یا پنج سال به ثمر می رسد. برگ چای به قدری ظریف و حساس است که اگر بعد از چیدن در جای مناسبی برای پلاس قرار نگیرد و هوا در آن جریان نیابد یعنی اگر به صورت فشرده و متراکم در سبذ یا زنبیل و یا هر ظرف دیگر نهاده شود، ترشیده و فاسد می گردد.

زمینی که در آن بوته های چای کاشته می شود باید دارای شیبی ملایم بوده و باران سالیانه اش متناسب باشد در این صورت برای کشت چای و افزونی محصول مساعد خواهد بود.

حد اکثر ارتفاع سطح باغ چای از سطح دریا نباید بیشتر از دو هزار متر باشد و گرنه

۱. مختصری از تاریخچه کشت چای در ایران، ص ۵۸.

کشت چای بی فایده است. هر باغ چای علاوه بر دارا بودن اوصاف یاد شده باید در معرض وزش بادهای ملایم و مرطوب دریایی قرار گیرد. وزش بادهای گرم و خشک یا سرد و شدید برای بوته چای نامناسب و زیان آور است.

میزان دمای مطلوب در باغهای چای بین صفر تا ۳۰ درجه سانتیگراد است. چای بهاره ایران از نظر کیفیت، مرغوبیت و طعم بهتر از چای کشورهای دیگر است.^۱ در عصر حاضر مرتفع ترین نقطه چایکاری جهان منطقه «دارجلینگ» واقع در کشور هندوستان با ارتفاع شش هزار پا و پست ترین باغهای چای در ممالک چای خیز، منطقه «پوتی» واقع در کشور روسیه است که هم سطح با دریا می باشد.^۲

مرکبات

مرکبات واژه ای است عربی و جمع مرکب می باشد. پور داود در هرمز نامه به نقل از مجمع الفرس می نویسد:

«مرکب در ردیف لیمو و نارنج و غیره آمده است که در پیوند بایکی از درختان این جنس باجنس دیگر آن، میوه مخصوص بیار می آورد و به مناسبت این پیوند به لغت عربی مرکب خوانده می شود و پس از آن، همین کلمه به هیأت جمع «مرکبات» به درختان و میوه های دیگر آن اطلاق شده است.»^۳

نکته ای که در خور توجه است این که میوه هائی از قبیل پرتقال، نارنگی، لیمو ترش، لیمو شیرین، بادرنگ، گریب فروت، و دیگر انواع مرکبات را می توان از طریق پیوندک به یک درخت از جنس درختان یاد شده و یا درخت نارنج پیوند زد تا هر شاخه از همان درخت میوه مخصوص خود را بیاورد و محتمل است علت نامیده شدن به مرکب که جمع آن مرکبات است همین باشد.

تاریخچه مرکبات و ورود آن به ایران

مرکبات میوه بومی آسیای شرقی و جنوبی بوده و چین را وطن اصلی آنها می دانند،

۱. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۱۴۴.

۲. مختصری از تاریخچه کشت چای در ایران، ص ۴۴.

۳. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۱۵۵.

چنانکه در بعضی نقاط، پرتقال را سیب چینی می نامند و در آب و هوای معتدل که خیلی خشک نبوده و حدّ وسط درجه حرارت آن ۱۴ درجه باشد عمل می آید و در نقاط سرد که زمستان، یخبندان شدید داشته باشد و درجه حرارت آن ۴ تا ۵ درجه زیر صفر باشد نمی توان آنها را کاشت.^۱

قدیمی ترین نوع مرکبات «بادرننگ» است که جلوتر از زمان ساسانیان دارای نام و نشان بود. بنا به نوشته پور داود در هر مزرده نامه ترنج و اترج معرّب و اترنگ است، و اترنگ همان با درنگ است و در زمان هخامنشیان وجود داشت که یونانیان آن را «مدیکن ملون» یعنی سیب مادی (ایرانی) می نامیدند و نزد رومیان به «چیتروس مدیکه» یعنی بادرنگ مادی (ایرانی) شهرت داشت.^۲

مهندس یونس ابراهیمی کارشناس بین المللی مرکبات که بیشتر عمر خود را در ایستگاه تحقیقات مرکبات رامسر به تحقیق در امر مرکبات سپری نموده و هنوز هم باجدیت تمام به کار خود ادامه می دهد و نظریاتش در مجامع بین المللی مورد قبول و پذیرش محققان است، در این باره می نویسد: «باتوجه به اینکه ایران دروازه خروج مرکبات به اروپا بوده با مطالعه تاریخچه مرکبات اروپا بر می آید که نارنج و لیمو دارای هزار و پانصد سال سابقه کشت در ایران می باشد و پرتقال در دوره صفویه به وسیله کشتی های پرتغالی به سواحل جنوبی کشور رسیده و از ایران به عراق، سوریه، فلسطین و مصر برده شد و از آنجا به آفریقای شمالی و بالاخره به ایتالیا رسید و سپس در اروپا پراکنده گشت. در قرن هجدهم میلادی با بروز بیماری گُموز (پوسیدگی ریشه) بخش اعظم مرکبات ایتالیا از بین رفت و با مقاومت قابل توجهی که درخت نارنج در برابر این بیماری از خود نشان داد پیوند مرکبات روی نارنج و احياناً بعضی پایه های مقاوم رواج یافت و به تدریج با بروز و گسترش این بیماری در سایر کشورهای مرکبات خیز دنیا، پیوند روی درخت نارنج متداول گردید.^۳

مرکبات در شمال ایران

مازندران، گرگان و گیلان در شمال ایران و فارس و کرمان در جنوب ایران

۱. کتاب فلاح، ص ۲۴۷.

۲. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۱۵۶.

۳. نشریه تحقیقات نهال و بذر، سال اول شماره یک، ص ۴۱.

مهمترین نقاط مرکبات خیز کشور به شمار می‌روند، در این ایالات اراضی فراوانی زیر کشت مرکبات قرار دارد.

در حدود العالم که به سال ۳۷۲هـ. ق تألیف شد از وجود ترنج و نارنج در آمل یاد شده و چنین آمده است: «... از وی (آمل) ترنج و نارنج خیزد»^۱.

برای ترنج خاصیت‌هایی قایلند. پور داود در هرمزنامه به نقل از ثوفراستوس می‌نویسد: «برگهای این میوه را اگر میان جامه بگذارند از آسیب بید ایمن خواهد بود و اگر میوه پخته آن را در دهان گیرند تنفس را آسان گرداند و اگر کسی زهر خورده باشد این میوه داروی مفید و پادزهر کار سازی است». وی آنگاه به نقل از علی بن سهل در کتاب فردوس الحکمه داستانی عجیب و شنیدنی در باره خاصیت ترنج می‌نویسد: «پادشاهی به مردی خشم گرفت و به زندانش افکند و بدو فرمود: یک چیز برگزین که یگانه خورش تو باشد. پس او ترنج را برگزید. گوشت خشک شده‌اش آرد گردیده آن نانش شد و سرکه‌اش از ترشی آن بود و روغنش از دانه آن و بوی خوشش از پوست و برگ آن و با آن روزگاری بزیست»^۲.

خاصیت نارنج کم از ترنج نیست: از بهار نارنج مربا می‌سازند و عرقش مقوی قلب است و اگر برگ آن را بجوند بوی دهان را خوش کند و بوی سیر و پیاز را از میان ببرد^۳ از پوست آن نیز مربا سازند.

کشت مرکبات در رامسر

رامسر یکی از مراکز کشت مرکبات در شمال ایران است که ظاهراً قدمت آن به قرن‌ها قبل می‌رسد و نام دو محله کهن نارنج بن و نارنج کلایه که در شهر واقع اند مؤید آن می‌باشد و احتمالاً تاریخ کشت آن مقارن با مناطق دیگر مرکبات خیز شمال ایران بوده است.

میرزا حسن خان اعتماد السلطنه در مرآة البلدان می‌نویسد: «در هر سه محال (تنکابن و کلارستاق و کجور) گندم و جو و شلتوک و مرکبات و میوه‌جات غیر از زردآلو

۱. حدود العالم، ص ۴.

۲. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۱۵۶.

۳. همان منبع، ص ۱۵۶.

و نیشکر و ابریشم در دهات قشلاقی به عمل می‌آید و عجیب این است که در این نواحی جایی است که مرکبات موجود است و به فاصله یک میدان در همانجا به هیچ وجه مرکبات بوجود نمی‌آید و سبب این است که بعد از باریدن برف و صاف شدن هوا بر روی برگ درختها شب‌نم می‌افتد «باد اُرُز» که در تمام صفحات مازندران وزان است به هر جا وزید درختها را حرکت می‌دهد و شب‌نم‌ها می‌ریزد درختها را خشک کرده محفوظ می‌ماند و جایی که بادگیر نیست شب‌نم در برگ درختان منجمد شده یخ درخت را می‌خشکاند.^۱ این گفته اعتماد السلطنه در بعضی نواحی رامسر مصداق پیدا می‌کند. قطعه باغ موروثی نگارنده واقع در لپا سرك رامسر جنب اردوگاه تربیتی شهید رجایی دارای شرایط یاد شده است. درختان نیمی از باغ در مقابل یخ و سرما مقاوم بوده و نیم دیگر که در سمت دریا قرار دارد با اندک ریزش برف و یخ زدگی خشک می‌شود به طور کلی باغهای ساحلی دارای چنین وضعی است که با اندک سرما زدگی شاخه‌ها و تنه درختان مرکبات خشک می‌گردد.

اصلاح مرکبات رامسر

بیشتر ارقام مرکبات در منطقه رامسر بوده و اسامی آنها عبارتند از: نارنج، پرتقال محلی، دارابی، توسرخ، لیموترش، نارنگی محلی، بادرننگ و دورگهای طبیعی که در باغهای مرکبات فراوان به چشم می‌خورند.

در سال ۱۳۱۳ش واریته‌های اصلاح شده و تجاری از کشورهای ترکیه، لبنان و ایتالیا وارد گردید و در شمال ایران به ویژه رامسر کاشته شد که به عنوان نمونه می‌توان به باغهای بزرگ اطراف و محوطه هتل‌های رامسر و درختان قدیمی ایستگاه تحقیقات مرکبات رامسر که یادگاری از آن دوران است اشاره نمود. این واریته‌ها عبارتند از: پرتقال تامسون ناول، پرتقال خونی، پرتقال بُرُهَن، پرتقال واشنگتنی، پرتقال یافا، پرتقال شموطی، پرتقال و اَلنسیا، مارش گریب فُروت، دانکن گریب فُروت، نارنگی اُنشو، نارنگی کلمانتین، نارنگی خوشه‌ای، نارنج ابلقی و ...^۱

۱. مرآة البلدان ج ۱، صص ۵۸۳-۵۸۴.

۲. نشریه تحقیقات نهال و بذر، ص ۴۱.

ایستگاه تحقیقات مرکبات رامسر

در سال ۱۳۰۹ ش باغ زیبایی به مساحت ۷ هکتار به نام باغ فلاحت در گرمه رود رامسر که بین سالهای ۷۵۰ تا ۷۹۰ هـ. ق پایتخت تنکابن و مقر سلطنت سید رکابزن کیا بود احداث گردید. انجام این کار بدان خاطر بود که طرز احداث و روش منظم کشت و پرورش مرکبات به باغداران مناطق پرتقال خیز شمال ایران به کشاورزان نشان داده شود.

این باغ در آغاز زیر نظر اداره املاک اختصاصی که متعلق به پهلوی اول بود اداره می شد سپس به اداره کل فلاحت ایران که بعداً به وزارت کشاورزی تغییر نام یافت واگذار گردید.

در سال ۱۳۱۳ ش ارقام اصلاح شده مرکبات که بالغ بر سیزده نوع بود برای تربیت محوطه کاخ رامسر وارد شمال ایران گردید و تعدادی از آنها در باغ فلاحت کاشته شد که هنوز هم این درختان به عنوان درختان مادری اولیه در ایستگاه تحقیقات کشاورزی رامسر در ردیف ارقام اصلاح شده نگهداری و محافظت می شود. در سال ۱۳۳۹ ش که مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر تأسیس شد باغ فلاحت رامسر به این مؤسسه واگذار گردید و تحت عنوان ایستگاه تحقیقات مرکبات و نباتات زمینی رامسر تغییر نام یافت و از آن تاریخ به بعد تحقیقات در امر مرکبات آغاز گردید و رهبری تحقیقات مرکبات کشور به عهده این ایستگاه گذارده شد و آقای مهندس یونس ابراهیمی، محقق و کارشناس بین المللی مرکبات که به حق از مفاخر علمی کشور و عاشق و دلسوخته تحقیقات مرکبات است، باگذشت ۳۲ سال خدمت تحقیقاتی در این ایستگاه همچنان به عنوان سرباز اول این خط به راه خود ادامه می دهد.

این هموطن آذری با خدمات صادقانه و تلاش شبانه روزی و خستگی ناپذیر خود توانست مرکبات ایران را به مجامع بین المللی معرفی نموده و طرحها و نظرات ارزشمندی را به کنفرانس های جهانی مرکبات ارائه دهد و ایستگاه تحقیقات رامسر را به عنوان یک مرکز علمی ارزشمند ایران به جهان بشناساند.

ایستگاه تحقیقات مرکبات رامسر تاکنون تحقیقات چشمگیری در امر مرکبات انجام داده و انتخاب ارقام پرتقال تامسون ناول، خونی مورو (تامسون خونی)، نارنگی انشو و نارنگی کلمانتین و پایه های نارنج اپولیزوس و تروریر ستیرنج که پایه مقاوم در مقابل

پوسیدگی طوقه و سرما هستند نتیجه تلاش تحقیقاتی این ایستگاه است.

نام ایستگاه تحقیقات مرکبات رامسر در بسیاری از محافل علمی ایران و دنیا در امر مرکبات نامی آشنا و شناخته شده است و مقالات علمی ارائه شده از ایران در کنفرانس های بین المللی مرکبات در دنیا کلاً نتیجه کار تحقیقاتی ایستگاه رامسر بوده و دو پایه مرکبات در دنیا به نامهای «بکرانی» و «شل محله» معرفی شده از منطقه رامسر در کنفرانس های اسپانیا و ایتالیا است. ایستگاه تحقیقات کشاورزی رامسر برای نخستین بار در ایران توانسته است نهالهای عاری از بیماریهای ویروسی را تهیه و پیوندک آنها را در اختیار باغداران مرکبات کشور قرار دهد و کلیه بذور مورد نیاز مرکبات مؤسسات مختلف کشور را به روش استاندارد تهیه نماید.^۱ نارنگی یونسی که نوع اصلاح شده نارنگی به وسیله آقای مهندس یونس ابراهیمی است به نام ایشان نامگذاری شده، در مجامع علمی ایران و جهان به همین نام ثبت گردید.

از کارهای جنبی این ایستگاه معرفی دو میوه نیمه گرمسیری دیگر به نامهای «کیوی فروت» و «فی جوآ» می باشد که هر یک از آندو از دیدگاه علمی و اقتصادی حایز اهمیت فراوان می باشند. در وضع حاضر بیش از ۱۴۰ رقم مرکبات زیر نظر این ایستگاه تحت بررسی است و طرحهای تحقیقاتی متعددی در امر مرکبات رادر دست اجرا دارد.^۲

آقای مهندس ابراهیمی در پایان این مقال سطوری چند خطاب به نگارنده نوشته و قطعه شعری در باره عشق وی نسبت به امر تحقیقات مرکبات سروده است ذکر آن در اینجا خالی از لطف نیست:

بسمه تعالی

سرور گرامی آقای حاجی سجادی

باسلام و آرزوی توفیق برای جنابعالی و همه خدمتگزاران واقعی این آب و خاک از این که بنده را جزو بد قول های روزگار قلمداد کردید و ما را نیز جزو علما به حساب آوردید شرمنده ام چون هنوز به عالم شدن ما خیلی راه است. حاجی جان! بنده و امثال بنده بیابان گردی بیش نیستیم که سالیان دراز این راه را ادامه می دهیم تا ناصافی های جاده

۱. به قلم آقای مهندس یونس ابراهیمی که برای نگارنده فرستاده است.

۲. همان منبع.

کشاورزی ایران را برای عبور مردم فقیر و بیچاره ای که بامشقت تمام کشاورزی و باغداری می کنند هموار نماییم . باشد که خداوند متعال مارا جزو بندگان درویش و فقیر خود به حساب آورد . حسب الامر و برحسب وظیفه مختصری در مورد ایستگاه رامسر تقدیم حضورتان گردید اگر کافی نیست باز بنویسم .

ارادتمند

یونس ابراهیمی

بندی از شعر عشق در تحقیقات بانام هنوز امیدوارم من

در این دوران پیری
چین های صورتم
شاهد بر این عشقند
وهر تار سپیدی بر رخم
گویای این عشق است
وروزی که به دام عشقت افتادم
جوان بودم
جوانی در رخت دادم
به درویشی گر اییدم که تا عاشق بمانم
ومی بینی هنوز هم در کنارت عاشقانه آشیان دارم
برای دیدن صد عاشق چون خود
هنوز امیدوارم من

باغهای مرکبات شهرستان رامسر

باتوجه به سابقه تاریخی مرکبات در رامسر که زمانی از طریق دریای خزر به باکو و دیگر شهرهای حاشیه شمالی دریای خزر وسیله تجار ایرانی صادر می شد ، سطح کشت فعلی مرکبات حدوداً به شش هزار هکتار می رسد که بیشتر ارقام آن از نوع بومی بوده و در بیست سال اخیر اصلاحاتی در بعضی از باغهای مرکبات به عمل آمده است و پرتقال تامسون ناول ، پرتقال خونی ، نارنگی کلماتین و نارنگی آنشو با استقبال بیشتر باغداران

روبرو شده است. یکی از مشکلاتی که باغداران در اصلاح مرکبات با آن مواجه هستند مسأله کم آبی به ویژه در قسمت پایکوهی و نقاط کم ارتفاع است که حتی در امر سمپاشی دچار این مشکل هستند و نبودن آب به مقدار کافی در عدم رشد و مرغوبیت مرکبات اصلاح شده تأثیر به سزائی دارد.

مسأله دوم که اهمیت حیاتی دارد گرانی سم و کود شیمیایی است و برای کشاورزان به لحاظ ارزانی بهای مرکبات و عدم حمایت جدی مقامات مسؤول مقرون به صرفه نیست.

سرما زدگی مرکبات

در نیم قرن اخیر مرکبات رامسر چندین بار دچار سرمازدگی شدید شد و ریزش برفهای سنگین و یخبندان شدید باعث وارد آمدن خسارات زیاد به کشاورزان و باغداران گردید. سنگین ترین این برفها و یخبندانهای شدید در سالهای ۱۳۱۷، ۱۳۲۷ و ۱۳۴۲ ش بود که باعث نابودی بسیاری از درختان مرکبات شد مضافاً محصول مرکبات را که هنوز باغداران موفق به چیدن آن نشده بودند به کلی از بین برد.

خاطره تلخ برف ۱۳۴۲ ش هنوز در یاد نگارنده مانده است. در شامگاه چهارم دی ماه همین سال به دنبال وزش باد سرد که حدوداً یک ساعت به طول انجامید بارش برف آغاز شد و تا روز بعد به شدت ادامه یافت و ارتفاع آن به بیش از یک متر رسید، بسیاری از درختان مرکبات پوست از تنه شان مانند دارچین جدا شد و موجب وارد آمدن خسارات سنگین و از بین رفتن شمار زیادی از درختان مرکبات گردید و کسانی که در امر مرکبات به خرید و فروش مشغول بوده و تمام سرمایه شان را از این راه به کار انداخته بودند از هستی ساقط شدند. در زمستان سال ۱۳۵۲ ش برف شدیدی بارید اما خسارات وارده مانند گذشته زیاد نبود.

برنج

برنج واژه ای فارسی نیست و پور داود در هر مزد نامه آن را واژه هندی دانسته که وارد زبان فارسی گردید^۱ و از غلاتی است که در اراضی مرطوب ممالک حاره زراعت می شود و یکی از حبوبات نشاسته ای است که از آن غذاهای نیکو ترتیب می دهند و به

نام‌های گرنج، آرز و بُج نیز می‌نامند.

عموم مردم چین از این ماده غذایی نشاسته‌ای استفاده می‌کنند و در کشور هندوستان برنج یکی از رزاعت‌های عمده است و نیز کشت و مصرف برنج در آفریقا و ممالک حاره آمریکا و جنوب ایتالیا رواج کامل دارد.^۱ جایگاه اصلی کشت برنج چین است که از آن به هند رفته و از هند وارد ایران گردید.^۲

برنج گیاهی است از تیره گندمیان و جزء غلاتی است که در اراضی باتلاقی کشت می‌شود و غذای نیمی از مردم جهان را تشکیل می‌دهد. گل‌هایش دارای شش پرچم است و دانه‌های سفید رنگی که زبانچه گل آن را به طور کامل فراگرفته است «شلتوک» می‌نامند. ساقه‌های این گیاه بند بند است و ارتفاع آنها تا یک متر ونیم می‌رسد. این نوع ساقه‌ها را اصطلاحاً «ماشور» گویند و به مصرف تغذیه دامها می‌رسد.^۳ کشت برنج به دو نوع آبی و دیدمی در جهان صورت می‌گیرد. محمد فرید وجدی مصری می‌نویسد: «برنج غذای اصلی غالب مردم آسیا است و در همه نواحی آن به عمل می‌آید و در کارولین آمریکا نیز کشت می‌شود. کشت برنج به دو نوع آبی و دیدمی صورت می‌گیرد. برنج خوب آن است که خشک و پاکیزه باشد و تمام دانه‌هایش از پوسته خارج شده و در یک اندازه باشد. برنج کمتر فاسد می‌گردد اما دچار کرم خوردگی می‌گردد. این کرمها از بیرون سرایت می‌کند».^۴

مواد ترکیبی برنج عبارتند از: نشاسته ۸۶/۹ درصد، ازت ۷/۵ درصد و چربی ۰/۸ درصد.^۵

کشت برنج در کرانه‌های جنوبی دریای خزر

سابقه کشت برنج در شمال ایران به قرون پیش از میلاد می‌رسد. چانک کی‌ین از اهالی چین در سال ۱۲۶ قبل از میلاد صحبت از کشت برنج در کرانه دریای مغرب

۱. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه برنج؛ فرهنگ معین، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۱۲۵.

۳. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه برنج؛ فرهنگ معین، ج ۱، ص ۵۱۳.

۴. دائرة معارف القرن العشرين، ج ۱، ص ۱۶۲.

۵. همان منبع.

(دریای خزر) دارد.^۱

در کتاب حدود العالم از برنج در گیلان یاد شده و در آن چنین آمده است: «طعام همه این ناحیت (گیلان) لتیرست و برنج و ماهی و از این ناحیت جاروب و حصیر و مصلی نماز و ماهی ماهه افتدکی به همه جهان بیرند»^۲.

شادروان دکتر محمد معین در پا نوشت لغت نامه برهان قاطع می نویسد: «از مآخذ قدیم می توان دانست که در روزگار هخامنشیان برنج در ایران بوده و شک نیست که این گیاه از سرزمین هند به ایران رسیده است»^۳.
برنج ایران از نوع آبی و باتلاقی است و با برنج دیم یا (خاک خشک) که در جاوه و فیلیپین کاشته می شود فرق دارد.^۴

بذر برنج صدری را که از بهترین و مرغوبترین نوع برنج در ایران به شمار می رود، میرزا آقاخان نوری صدر اعظم از پیشاور پاکستان به مازندران آورد آنگاه از آنجا به گیلان برده شد و بنا به نوشته اعتماد السلطنه در کتاب (مآثر و آثار) نامیده شدن این نوع از برنج صدری به همین سبب بوده و برنج صدری منتسب به او می باشد.^۵

انواع برنج

برنج دارای انواعی است و عبارتند از: صدری، دمسیاه، دیلمانی، طارم بی نام یا رمضانعلی، بیداز، سرخ عنبر بو، شاه رازی، محمدی (برنج گرم) شاهک، چمپا، سپید رود، آمل یک، آمل دو، آمل سه و چندین نوع دیگر که در سالهای اخیر به صورت اصلاح شده تکثیر گردیده و میان کشاورزان توزیع شده است.

چگونگی کشت برنج

کشت برنج دارای مراحل چون شخم، باتلاقی کردن زمین، آماده سازی زمین برای کشت، خزان، نشاء، وجین، درو، خرمن، خشک کردن و شالی کوبی است. پس از آنکه زمین آماده برای نشاء شد ابتدا بذر برنج (شلتوک) در گوشه ای از زمین

۱. گیلان، ص ۹۹.

۲. حدود العالم، ص ۱۵۰.

۳. لغت نامه برهان قاطع، تصحیح دکتر معین، ج ۱، صص ۲۶۴-۲۶۵.

۴. گیلان، ص ۹۹.

۵. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۱۲۶.

زراعتی به صورت خزانه پاشیده می شود و خزانه را برای محافظت از سرما زدگی و یا پوسیدگی ناشی از بارندگی احتمالی، مانند گلخانه تا هنگام آماده شدن برای نشا با نایلون می پوشانند. بعد از آنکه شلتوک جوانه زد و به مقدار کافی رشد نمود از خزانه خارج نموده و به وسیله بانوان در زمین شالیکاری نشا می کنند زمین باید پیوسته باتلاقی و دارای آب باشد. حرارت لازم در بهار و تابستان به ترتیب ۱۸ و ۲۴ درجه سانتیگراد است^۱ و جین یا گرفتن علف هرز از شالیزار مرحله بعد از نشا می باشد. آخرین مرحله قطع آب از شالیزار است تا زمین از حالت باتلاقی بیرون آمده و خوشه های برنج آماده درو گردد. سرانجام مراحل درو، خشک کردن جو و شالی کوبی انجام می گیرد.

روبهم رفته کشت برنج، کار پر زحمتی است و به عقیده بعضی کلمه برنج مأخوذ از (به رنج) می باشد.^۲ در گذشته نه چندان دور کشت برنج به طریق سنتی انجام می گرفت و از کشت تا برداشت از وسایل ابتدایی نظیر گاو آهن برای شخم و آماده سازی زمین، اسب برای خرمن کوبی و آب دنگ یا پادنگ برای شالی کوبی استفاده می شد و برای خشکاندن، شلتوک (جو) را در اطافی بزرگ که در گویش محلی آن را بُج خانه گویند و معمولاً در مجاورت «آب دنگ» قرار داشت، به مقدار کافی می ریختند و با حرارت آتش هیزم، آن را می خشکاندند. برنجی که از این طریق به دست می آید دودی گویند و مرغوبتر از برنجهایی است که اخیراً بوسیله دستگاه حرارتی برنج خشک کنی به دست می آید امروزه برداشت برنج به طریق سنتی تقریباً متروک شده و با ورود ماشین آلات برنج کاری و کارخانه های شالی کوبی، کشاورزی برنج رنگ تازه ای به خود گرفته است و تیلر و خرمن کوب و دستگاه برنج پوست کنی جایگزین آلات و ابزار سنتی گردید.

در گذشته نه چندان دور کشت نوع مرغوبی از برنج خوش عطر و قرمز به نام سرخ عنبر در رامسر متداول بود اما بنا به عللی نامعلوم از میان رفت، برنج شاه رازی و محمدی که پر محصول و از نوع نسبتاً مرغوب بود به کلی از بین رفتند، برنج شاهک، چمپا و بیداز که پر محصول و نامرغوب بودند دیگر وجود خارجی ندارند.

میزان سطح کشت برنج در شهرستان رامسر

سالهای قبل از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در بیشتر اراضی جلگه ای رامسر برنج

۱. جغرافیای کامل ایران ج ۲، ص ۱۱۵۴.

۲. همان منبع.

کشت می شد و به چندین هزار هکتار می رسید اما طولی نکشید که بنا به عللی میزان کشت، رو به نقصان نهاده و به نازلترین سطح یعنی حدوداً به هزار و سیصد هکتار رسید. مهمترین علل این نقصان عبارتند از: ازدیاد جمعیت، کشاندن جنگل نشینان و کوه نشینان به شهر نشینی، تبدیل اراضی شالیکاری به باغهای مرکبات و مهمتر از همه هجوم زیاده از حد پולداران و نوکیسه های خوش نشین از نقاط مختلف کشور به ویژه تهران و خرید اراضی جهت شهرک سازی واحداث ویلاها.

ابریشم

پرورش کرم ابریشم در کرانه های جنوبی دریای خزر سابقه ای بس طولانی دارد و به اعتقاد بعضی به پیش از میلاد مسیح (ص ۱۳۶) می رسد «شودزکو» معتقد است است که پرورش کرم ابریشم از زمان تورات در نواحی دریای خزر متداول بوده و پارچه ابریشمی گیلان از بهترین پارچه های ابریشمی لیون فرانسه بادوام تر است^۱ به عقیده لافون استاد مدرسه ملی کشاورزی مونپلیه که زمانی رئیس اداره نوغان گیلان بود، پيله زرد ابریشم در ایران و ترکستان به وجود آمده است و پيله سفید ویژه چین است. گویند: در سال ۴۱۹ میلادی یک نفر شاهزاده چینی که با امیر ختن ازدواج کرده بود روش تربیت کرم ابریشم را به مردم آموخت و در قرن ششم میلادی نوغان داری از طریق یارکند و فرغانه وارد ایران شد.^۲

«ماسون» محقق روسی معتقد است که پرورش کرم ابریشم پیش از قرن ششم میلادی در مرو متداول بود و از آن تاریخ به بعد به گرگان و کرانه های جنوبی دریای خزر راه یافت. بیشتر محققان نیز همین عقیده را ابراز داشته و می گویند: نوغان داری در فاصله قرن ششم تا دهم میلادی رفته رفته از مرو به گرگان و از آنجا به طبرستان، دیلم، گیلان و سایر نقاط همجوار کرانه های جنوبی دریای خزر راه یافت^۳ «اصطخری» می نویسد: «شونده ام کی اصل ابریشم در روزگار از مرو به طبرستان افتاد و هنوز تخم از

۱. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۱۳۶.

۲. گیلان، ص ۱۰۵.

۳. همان منبع.

مرو به طبرستان برند»^۱.

«مسیو اولیویه» پزشک فرانسوی که در سال ۱۷۹۶م (۱۱۸۳ هـ. ق) از ایران بازدید به عمل آورد درباره ابریشم گیلان و مازندران می نویسد: «مقدار ابریشمی که در ایران به عمل می آید در زمان سابق به قدری بوده است که از قراری که شاردن می گوید در هر سالی بعد از آنکه به مصرف خود اهالی به جهت اقمشه از هر قبیل می رسید ۲۲ هزار فرده (هر فرده دوازده من) وزن داشت که از ایران به خارج حمل می شد. از گیلان ده هزار فرده، از مازندران دو هزار، عراق عجم و خراسان هر کدام سه هزار، قراباغ دو هزار، شیروان و گرجستان دو هزار که مجموعاً ۲۲ هزار فرده محصول ابریشم ایران بود.»^۲

پیش از آنکه انگلیس در سال ۱۷۳۹م در گیلان دار التجاره و شرکتی احداث کند مقدار وافری ابریشم حمل شتر شده و از راه خشکی به اسلامبول می بردند. بازرگانان این تجارت، یهودی، ارمنی و اهالی اروپا بودند.^۳

در سالهای گذشته پرورش کرم ابریشم علاوه بر گیلان و مازندران در خراسان، آذربایجان، کاشان و یزد متداول بود اما چندی بعد صنعت نوعان در این نواحی متروک شد^۴ تقریباً پرورش کرم ابریشم منحصر به مازندران و گیلان گشت. در حدود یکصد و پنجاه سال قبل محصول ابریشم بیش از دویست میلیون کیلو پيله تازه بود و چندین قرن قبل از آن در زمان صفویه یکی از اقلام مهم صادرات کشور به شمار می رفت اما به خاطر بروز بیماری پیرین رفته رفته این صنعت سودمند رو به انحطاط نهاد و در غالب نقاط به کلی متروک گردید.^۵

میزان پرورش کرم ابریشم در نقاط مستعد سواحل جنوبی دریای خزر در دورانهای گذشته متفاوت و پیوسته در حال تغییر بود و در چندین قرن اخیر نیز دچار نوسان گردیده گاهی سیر صعودی و زمانی سیر نزولی داشت. تا آنکه ورود تخم مصون از بیماری از اروپا، ترکیه عثمانی و ژاپن پرورش کرم ابریشم از سر گرفته شد و رواج

۱. مسالک و ممالک، ص ۲۰۸.

۲. سفرنامه اولیویه، ص ۱۸۳.

۳. همان منبع، ص ۱۸۲.

۴. سالنامه پارس، سال ۱۳۱۲ ش، ص ۶۷.

۵. همان منبع.

یافت. با آغاز جنگ جهانی اول دوباره راه سقوط را در پیش گرفت و به کلی متوقف شد اما پس از پایان جنگ از نو آغاز گشت.^۱

با بروز بیماری یاد شده پرورش کرم ابریشم دچار نوسان شده و پرورش کرم نامرغوب ابریشم رواج یافت و در تنکابن با تبدیل آن به «کج» در یافتن چادر شب و ملبوسات مورد استفاده قرار گرفت و کارگاههای تبدیل پيله به ابریشم کم و بیش به کار افتاد اما تولید ابریشم خالص در حد ناچیز بود و قابلیت صدور به خارج را نداشت. ملگونف می نویسد: ابریشم تنکابن پاکیزه نیست از این روی مصرف محلی دارد و با آن لباس محلی می بافند.^۲

پرورش کرم ابریشم در رامسر

اگرچه تاریخ دقیق شروع پرورش کرم ابریشم در رامسر معلوم نیست اما می توان ادعا کرد که همچون نقاط دیگر ابریشم خیز از قدمت زیادی برخوردار است و وجود محله ای به نام «ابریشم محله» که پیش از سنه ۱۳۱۲ش توتستان بود و باغ های توت در روستاهای کرنگاپشته، میانلات و هم چنین در توساسان رامسر که سابقه آن به قرن ها قبل می رسد مؤید آن است.

پیش از شهریور ۱۳۲۰ شعبه های خرید پيله در رامسر و شهرها و بخش های گیلان و غرب مازندران تحت عنوان «اداره خرید پيله» دایر بود و کشاورزان دستاورد خود را بدانجا تحویل داده و بهای آن را دریافت می کردند. اداره یاد شده در همین محل فعلی کارخانه صفا چای قرار داشت و انبار آن هنوز در پشت این کارخانه هست که اکنون مبدل به انبار چای شده است.

پيله تازه از سوی مأموران دولتی از کشاورزان خریدار شده، تحویل کارخانجات ابریشم کشی می گردید. باغات زیاد توت در نقاط مختلف رامسر از جمله ابریشم محله، میانلات، سادات محله، توساسان و ... وجود داشت و اغلب مردم به پرورش کرم ابریشم که از آغاز تا بهره برداری، بین ۳۰ الی ۴۰ روز به طول می انجامد، اشتغال داشتند. هر کشاورزی در محوطه اش دارای تلمبار (تلیبار) بود و پرورش کرم ابریشم در

۱. گیلان، ص ۱۰۴.

۲. سفرنامه ملگونف، ص ۱۴۳.

آن انجام می داد. ساختن تلمبار چندان هزینه سنگینی نداشت و از سنگ و چوب و گل ساخته می شد. اصولاً برای پرورش کرم ابریشم زحمت چندانى لازم نیست. زنان، پیر مردان و اطفال هم به خوبی می توانند از عهده آن بر آیند. کارگاه دستی ابریشم کشی در بیشتر محلات رامسر دایر بود. مردم برای تأمین مواد اولیه چادر شب و ملبوسات مقداری از پيله های به دست آمده را تحویل کارگاه ها می دادند تا به ابریشم تبدیل شود و بقیه پيله ها را تحویل اداره خرید پيله می دادند. در سال هایی که هنوز اداره خرید پيله دایر نشده بود پيله ها در کارگاه های دستی تبدیل به ابریشم شده و مازاد بر مصرف به تجاری که به تجارت ابریشم اشتغال داشتند فروخته می شد و به خارج صادر می گردید. رایینو در باره صدور ابریشم گیلان و مازندران می نویسد: «پيله های ابریشم را از راه روسیه به میلان و مارسی صادر می کنند و مقداری ابریشم را هم در خود ایالت تابیده و آن را بانخ مخلوط نموده در کارگاههای محلی می بافند»^۱ در بافت پارچه های ابریشمی برای آنکه دوام بیشتری داشته باشد از «نخ کج» نیز استفاده می شود و منظور رایینو این نوع از نخ است. کج از پيله های نامرغوب ابریشم به دست می آید، این گونه پيله ها را در آب جوشان می ریزند تا کاملاً پخته شده و به اصطلاح عمل بیابد آنگاه می خشکانند و به وسیله چرخ نخریسی به صورت نخ در می آورند و مورد استفاده قرار می دهند.

منسوجات ابریشمی به مقدار زیادی در منطقه به وسیله کارگاه های محلی که به آن «پاچال» می گویند تهیه می شد. رایینو در این باره می نویسد: «صنعت عمده تنکابن منسوجاتی مانند پارچه های ابریشمی و پشمی و عبای نمدی (شولا) برای روستائیان و کتبان های زیر و شمال و چوخوا و متخال است. اهالی تنکابن باقزوین و طهران تجارت دارند»^۲.

در سال های گذشته نه چندان دور در بیشتر خانه ها کارگاه دستی پاچال دایر بود و هنوز هم کم و بیش در بعضی منازل شهری و روستائی رامسر دایر است و بانوان خانه دار در اوقات فراغت سرگرم بافتن چادر شب می شوند نوع ابریشمی چادر شب از مرغوبیت و معروفیت خاصی برخوردار است و به ویژه اگر دارای گل قالی باشد چادر شب ابریشمی گل بوته نیز از شهرت به سزایی برخوردار می باشد که علاوه بر زیبایی فوق العاده،

۱. سفرنامه مازندران و استرآباد، ص ۴۳.

۲. همان منبع، ص ۵۱.

ذیقیمت نیز هست. در گویش محلی چادر شب را «لابند» یا «لاوند» می نامند و علت این نامگذاری آنست که بیشترین کاربرد آن بستن رختخواب و یا بستن بانوان به کمر خود می باشد که قسمت پایینی بدن را می پوشاند و در فصل سرما بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد.

در روزگار پیشین بانوی خانه، هنر این نوع بافندگی را به دختران خود می آموخت تا بعد از رفتن به خانه شوهر و تشکیل خانواده بتواند به وسیله این هنر ارزنده علاوه بر پر کردن اوقات فراغت، کمکی به مرد خانواده بنماید. متأسفانه این هنر اصیل که روزگاری زبانزد خاص و عام بود رو به انحطاط نهاده و دیر یازود برای همیشه به بوته فراموشی سپرده می شود. سازمان صنایع دستی ایران با آن دستگاه عریض و طویل خود اقدام جدی برای حمایت از این هنر اصیل به عمل نمی آورد. در حالی که اگر اندک حمایتی از آن به عمل بیاید رونق گذشته خود را دوباره به دست خواهد آورد حتی می توان آن را به صورت صادرات عمده در آورد.

پرورش کرم ابریشم در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفت و خوشبختانه باقیمت نسبتاً مناسبی که خریداری می شود از رشد خوبی برخوردار است و کسانیکه اندک دسترسی به برگ توت دارند به این حرفه روی آوردند و از در آمد خوبی برخوردارند و چنانچه دولت حمایت جدی به عمل آورد امید می رود رونق گذشته به دست آید و به صورت یکی از منابع مهم در آمد خانواده ها در آید و باعث اشتغال هزاران تن از بیکاران گردد.

کرم ابریشم یا نوغان

کرم ابریشم که نامهای دیگر آن کرم بادامه، کرم ایوب، کرم بهرامه و غنچ ابریشم است^۱ از دوازده حلقه تشکیل شده و شانزده پا دارد که شش تای آن سخت و شبیه به شاخ است و ده تای دیگر آن نرم و متحرک و دارای قلاب می باشد و از هر طرف بدنش نه سوراخ برای تنفس دارد.^۲

نوزاد کرمی شکل پس از خروج از تخم به صورت کرمی می باشد که در سطح

۱. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه کرم ابریشم.

۲. گیلان در گذرگاه زمان، ص ۱۳۶.

شکمی دارای اندامهای ظریف کوچک متعددی است و از برگ درختان توت تغذیه می کند. این نوزاد کرمی شکل را «لارو کرم ابریشم» نیز می گویند که هرگاه نموش به حد معین رسید دور خود پيله می تند و در درون آن دگرديسی می یابد و پس از تبدیل شدن به پروانه، پيله را سوراخ کرده و از آن خارج می شود.^۱

از پيله ابریشم که لعاب دهان کرم ابریشم است پیش از آنکه پروانه آن را سوراخ کند الیاف ابریشم طبیعی تهیه می کنند و از آن پارچه های ظریف می بافند. محفظه ابریشمین کرم ابریشم را که بیضی شکل و همچون شکل بادام است پيله نامند.^۲ الیاف را نوزاد حشرات کرمی شکل به وسیله غدد مترشحه بزاقی خود ترشح نموده و به وسیله اندامهای حرکتی خود آن را به صورت یک محفظه کاملاً مطمئن در می آورند. ترشحات این غدد به شکل لعابی است که مایع لزج دارد و در برابر هوا به صورت رشته های باریک شبیه تار عنکبوت در می آید.^۳

غذای کرم ابریشم برگ توت است و درخت توت را نمی توان از درختان جنگلی به حساب آورد اما چون به وفور در ایران وجود دارد برای جنگل کاری زمینهای خشک مناسب است و در ایران سه نوع درخت توت موجود است:

- ۱- توت سفید که از برگهای آن برای پرورش کرم ابریشم استفاده می شود.
- ۲- توت سیاه که اغلب به صورت توت مجنون و به عنوان درخت زینتی کاشته می شود.

۳- شاه توت که دارای میوه لذیذ خوراکی است.^۴

اولیویه می نویسد: «درخت توت سفید و سیاه در ایران بسیار معمول است و زیاد هم می کارند. توت سفید غالباً از برای برگش و توت سیاه از برای میوه اش. از توت سیاه شربتی نیز در ایران تهیه می کنند. توت سیاه و سفید را خشکانیده به جهت زمستان نگهداری می نمایند».^۵

۱. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه کرم ابریشم.

۲. همان منبع.

۳. فرهنگ معین، ج ۱، صص ۹۶۰، ۱۲۴ و ۹۶۱.

۴. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه توت.

۵. سفرنامه اولیویه، ص ۱۸۳.

حیوانات و پستانداران رامسر^۱

نام فارسی	نام محلی	مهاجر	بومی	آبزی	خشک‌زی	ملاحظات
۱- بز کوهی	کل	-	*	-	کوهستانی	نر و ماده
۲- پلنگ	پلنگ	-	*	-	*	
۳- جوجه تیغی	فوکره	-	*	-	*	
۴- خرس	خرس	-	*	-	*	نگارنده خرس یشمی را در جنگل جاده هریس رامسر مشاهده نموده است.
۵- خرگوش	خرگوش	-	*	-	*	
۶- خوک	خوك	-	*	-	*	
۷- روباه	لویاز	-	*	-	*	در مناطق کوهستانی مشاهده شده است.
۸- سگ آبی	شنگ	-	*	*	*	
۹- شغال	شال	-	*	-	*	بیشتر در کنار رودخانه یادریا به صید ماهی می‌پردازند.
۱۰- شوکا	آهو	-	*	-	*	
۱۱- عروس موش	اُشکل	-	*	-	*	
۱۲- فوک	سگ دریایی	-	*	*	*	
۱۳- قوچ	قوچ	-	*	-	*	در رامسر وجود ندارد
۱۴- گراز (خوک وحشی)	وراز	-	*	-	*	اما در تنکابن مشاهده شده است.
۱۵- گرگ	ورگ	-	*	-	*	
۱۶- گوزن	گنجگاو	-	*	-	*	در مناطق کوهستانی مشاهده شده است.
۱۷- گربه وحشی	پوچا شال	-	*	-	*	
۱۸- میش	میش	-	*	-	*	در تنکابن مشاهده شده است.

(۱) اطلاعات مربوط به حیوانات، پستانداران، پرندگان و آبزیان منطقه رامسر را آقای عبدالمطلب معلمی رئیس اداره محیط زیست شهرستان رامسر در اختیار نگارنده

بیر؟

روزگاری در جنگل های رامسر بیر فراوان بود. محمد معصوم شیرازی ضمن بازدیدی که در سنه ۱۳۱۴ هـ. ق از سید محله (سادات محله) به عمل آورد می نویسد: «... آب شیرین و گوارا کم دارد و پلنگ و ببر در جنگلش بسیار و گاهی به اهل آبادی صدمه می زنند و اهالی در گذر آنها تله نصب نموده بدام می افتند». ^۱ نسل بیر در این منطقه رو به زوال نهاد و آخرین ببری که در یکی از مناطق کوهستانی رامسر مشاهده و شکار شد حدوداً در سال ۱۳۳۰ خورشیدی بود، یکی از شکارچیان معروف رامسر، مرحوم حاج اسحاق صنوبریماکشی با کمک شخصی به نام مشهدی ابراهیم، ببری را در سوته پشته از توابع جواهرده رامسر مشاهده نموده و با تفنگ سر پر او را هدف قرار داد و از پای در آورد. آقای حاج محمود کاکوان یکی از اهالی رمک رامسر پوستش را که باکاه پر شده بود به بهای ۱۵۰ تومان خریداری کرد و در تهران آن را با ۳۰ تومان ضرر به قیمت ۱۲۰ تومان فروخت. ^۲

طبق اظهار آقای معلمی رئیس محیط زیست شهرستان رامسر نسل بیر در این منطقه منقرض شده است.

آبزیان و پرندگان رامسر

ماهی

انواع ماهی هایی که در دریا و رودخانه های رامسر وجود دارند و یا صید می شوند عبارتند از:

۱ - ماهی آزاد: که از بهترین و زیباترین ماهی ها بوده و دراز اندام و خوش هیكل می باشد و جزو ماهیان فلس دار و حلال گوشت است و از حیوانات کوچک تغذیه می کند و قد آن تا دو متر می رسد و در آب شیرین (رودخانه) تخم ریزی می کند. به طور متوسط ۲۰ تا ۳۰ هزار تخم می ریزد و یک هفته پس از تخم ریزی نوزادها از تخم خارج می شوند (فصل تخم ریزی ماههای بهمن و اسفند است). در این هنگام مادر از رودخانه به دریا بر می گردد اما بچه ها تا دو سالگی در رودخانه باقی می مانند و در این وقت قدشان بین ۴۰

۱. طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۶۳۲.

۲. از خاطرات آقای حسن رحیمیان مدیر کل اسبق فرهنگ و هنر.

تا ۶۰ سانتیمتر است و پس از سن دو سالگی به طرف دریا سرازیر می‌شوند و بقیه عمر خود را در دریا می‌گذرانند و در آنجا زندگی می‌کنند.^۱ متأسفانه در سالهای اخیر به علت آلودگی بیش از حد آب رودخانه‌ها و آغشته بودن به مواد شیمیایی و سمی، نسل این ماهی در حال انقراض می‌باشد.

۲- تاس ماهی، اوزون برون یا ماهی خاویار: جثه اش بزرگ و به درازای ۵ تا ۶ متر می‌رسد و وزنش بالغ بر ۵۰۰ کیلوگرم می‌شود.^۲

۳- زالن

۴- زردک

۵- سفید: بهترین نوع آن در دریای خزر فراوان است و از ماهی‌های اصیل این دریا می‌باشد. گوشتش سفید و خوش طعم است و طولش در حدود پنجاه سانتیمتر می‌باشد. این ماهی را پس از صید در شمال ایران به جهت محفوظ ماندن، شکمش را پاره می‌نمایند و پس از خارج کردن امعاء و احشاء نمک سود نموده و دود می‌دهند و به نام ماهی دودی به بازار عرضه می‌کنند.^۳

۶- سیم

۷- صوف

۸- قزل‌آلا: این ماهی مخصوص آبهای شیرین است و در رودخانه‌های سرد و معتدل زندگی می‌کند و از لذیذترین ماهی‌های آب شیرین به شمار می‌رود و در نقاط ییلاقی و رودخانه‌های ایران فراوان به چشم می‌خورد و طول آن به طور متوسط بین ۲۵ تا ۴۰ سانتیمتر است.^۴ سابقاً در رودخانه صفار رود بالاتر از میانلالت فراوان بود اما امروزه خیلی کم است.

۹- کپور

۱۰- کفال: حدود هفتاد قسم آن شناخته شده است و در دریاها فراوان به چشم می‌خورد. حدوداً در سال ۱۳۱۵ش به وسیله مؤسسات علمی ماهی‌شناسی شوروی

۱. فرهنگ معین، ج ۴، ذیل واژه ماهی.

۲. همان منبع.

۳. همان منبع.

۴. همان منبع.

سابق تخم آن در دریای خزر ریخته شد و به وضع حیرت انگیزی نسل آن در این دریا رو به ازدیاد گذاشت. به طور کلی اکنون تعدادش بیش از ماهی های دیگر است.^۱

۱۱- کولی: نوعی ماهی کوچک که قدش تا سی سانتیمتر می رسد و در آب دریا زندگی می کند.^۲ لذیذترین نوع آن را در گویش محلی «سرخ پر» می نامند.

۱۲- ماش

۱۳- مارماهی: در سابق علاوه بر دریا، در رودخانه ها نیز فروان بود اما امروزه به خاطر آلودگی آب رودخانه ها دیگر در رودخانه وجود ندارد.

جدول پرندگان و آبزیان رامسر

نام فارسی	نام محلی	مهاجر	بومی	آبزی	خنکزی	ملاحظات
۱- آبیَا	گیر	×	-	-	×	دارای نوک بلند است
۲- باکلان	آرکلاج - دارغاز	×	-	-	×	
۳- باز	قوش	-	×	-	×	
۴- بلبل - عندلیب	بلبل	-	×	-	×	
۵- بلدرجین	وشم - بدبک	-	×	-	×	
۶- پرستو	چلچله	×	-	-	×	
۷- پری شاهرخ	آهیل - انجیل خوره	×	-	-	×	
۸- توکا	سرت	-	×	-	×	بر دو نوع است: یکی
۹- جغد	جغد	-	×	-	×	به رنگ سیاه و دیگری
۱۰- چنگر	چنگر	×	-	×	-	مغزپسته ای که بر
۱۱- خودکا	خودکه	×	-	×	-	بدنش خالهای سفید
۱۲- دارکوب	دارکوتون	-	×	-	×	وسپاه است و به زبان
۱۳- زاغ	کشکرت	-	×	-	×	محلی آن را
۱۴- زنبور خورک	زنبور خوره	×	-	×	-	«اوشکوسرت»
۱۵- سار	سپته	-	×	-	×	می نامند.
۱۶- عقاب	عقاب	-	×	-	×	

۱. فرهنگ معین، ج ۴، ذیل واژه ماهی.

۲. فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۷۴۴.

نام فارسی	نام محلی	مهاجر	بومی	آبزی	خشک زی	ملاحظات
۱۷- غاز	غاز	-	x	ذوحیاتین	دوزیست	بر دو نوع است:
۱۸- غاز وحشی	غاز وحشی	x	-	x	x	طلایی و جنگلی.
۱۹- قُمری	توبره	x	-	-	-	کوچکتر از فاخته پرنده ای است
۲۰- قو	قو	x	-	-	x	بسیار مانوس، خوش منظر
۲۱- کبک	زرچ	-	x	-	x	و خوش آواز گفته اند لفظ یاکریم
۲۲- کبک دری	کوکرک	-	x	-	x	کامل الحروف از آن ظاهر گردد
۲۳- کبوتر	کوبتر	-	x	-	x	(لغت نامه دهخدا ذیل واژه قُمری)
۲۴- کلاغ	کلاج	-	x	-	x	
۲۵- کوکو- فاخته	کوکوی	-	x	ذوحیاتین	x	در لانه تخم نمی گذارد و با پرندگان نظیر
۲۶- گنجشک	میلچه	-	x	=	x	کبوتر جفتگیری می نماید آنگاه خود را در لانه
۲۷- لک لک	آتنا	x	-	x	دوزیست	پرندگان مسافر می نهند چندین نوع آن در
۲۸- مرغابی اهلی	بیلی	-	x	x	دوزیست	منطقه به وفور یافت می شود و معروفترین آنها
۲۹- مرغابی دریایی	مرغ هوایی	x	-	x	-	به گویش محلی عبارتند از: گندم خورده، دم
۳۰- مرغ ماهیخوار	ماهی خوره	-	x	x	-	لانگن، مَرَج.
۳۱- کاکایی	کَف خوره	x	-	x	-	
۳۲- کیشیم	نفت موسی	x	-	-	-	
۳۳- قرقاول	تُرنگ طلا	-	x	-	x	
۳۴- هدهد	شانه به سر	x	-	-	x	
۳۵- قرقی- باز	باز	-	x	-	x	
۳۶- شاهین	کوربیلی	-	x	-	x	

شیلات رامسر

در این منطقه دو مرکز ماهیگیری خاویاری دایر است که در آنها ماهیگیران به کار صید ماهی خاویار اشتغال دارند اما برای صید ماهی غیر خاویاری صیادان محلی این شهرستان مانند شهرهای دیگر ساحلی دارای شرکت تعاونی هستند و در نیمه دوم هر سال یعنی از بیستم مهر تا بیستم فروردین سال بعد به صید ماهی در دریای خزر اشتغال دارند و در شش ماهه اول سال به علت فرارسیدن فصل تخم ریزی ماهیان از صید ماهی منع شده اند.

جنگل

مساحت جنگلهای مازندران ۱/۵۴۴/۰۰۰ هکتار و جنگلهای گیلان در حدود یکمیلیون هکتار بر آورد شده است. این جنگلها را غالباً درختان پهن برگ تشکیل داده و از سایر جنگلهای ایران متمایزند. این پوشش گیاهی در آب و هوای کرانه های جنوبی دریای خزر نقش بسیار مهمی دارند^۱

در ارتفاعات بیش از دو هزار و پانصد متر از سطح دریا به علت سرمای زیاد، جنگل وجود ندارد. در جنگلهای مازندران انواع درختان جنگلی یافت می شود که اهم آنها عبارتند از: بلند مازو، مَمَرَز (در ارتفاعات میان بند)، آزاد (در ارتفاعات متوسط)، انجیلی (در ارتفاعات خیلی کم)، توسکا (در دره های مرطوب و کناره های جویبارها)، شمشاد که درختان آن همیشه سر سبزند (در میان بند)، آفرا، نارون (ملج یا اوجا)، زبان گنجشک (ون)، شاه بلوط و راش (جنگلهای راش دارای اهمیت اقتصادی ویژه ای هستند)^۲.

در گیلان نیز انواع درختان جنگلی وجود دارد که اهم آنها عبارتند از تویی، مَمَرَز، راش، بلوط لَرک، آزاد، توسکا، شمشاد و زیتون می باشند و درختانی چون افرا، نارون، شاه بلوط و غیره نیز وجود دارند^۳.

جنگلهای رامسر

جنگل این منطقه مساحتی را به طول تقریبی ۲۵ کیلومتر و عرض ۱۶ تا ۶۰ کیلومتر را در بر می گیرد و محدود است از شمال به کرانه دریای خزر، از جنوب به ارتفاعات خَشچال و سراسر (مرز مشترک رودبار الموت و قزوین) از مشرق به رودخانه چالکرو و رودخانه سر ولات چابکسر. وسعت جنگل سی و هشت هزار و نهصد و چهل و دو هکتار و مراتع ۳۸ هزار و هفتصد و شصت و دو هکتار است^۴.

در جنگلهای شهرستان رامسر ۴۳ نوع درخت و درختچه در سه قسمت جلگه ای، میان بند و ارتفاعات بیلاقی وجود دارد. در ارتفاعات بین ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ متری درختان

۱. جغرافیای کامل ایران، ج ۲، ص ۱۱۲۶.

۲. همان منبع.

۳. همان منبع، ج ۲، ص ۱۰۲۰.

۴. گزارش توجیهی اجرای قانون تعاریف ضوابط تقسیمات کشوری.

راش، بلوط، آزار، ملج، زیرفون و سُردار (سرخدار) و در فرورفتگی ها و دره ها، درختان افرا، زبان گنجشک (ون)، گردو، مَمَرز و غیره و در جنگلهای جلگه ای درختان انجیلی، لیلکی و خرمندی که در گویش محلی «آربا» می نامند یافت می شود. با زیاد شدن ارتفاع، شیب جنگل تغییر می یابد و حتی در یک منطقه با عوض شدن خاک، ترکیب جنگل نیز عوض می شود، به طور مثال راش در خاک آهکی قابل نفوذ و سُردار در خاک سیلیسی قابل نفوذ، پرورش می یابد. به طور کلی بیشتر درختان از نوع پهن برگها هستند. مراتع این منطقه از نوع خوب، متوسط و بد هستند که چراگاه تابستانی کوه نشینان و گله داران منطقه می باشند. جنگلداری رامسر بیشترین تلاش خود را برای جلوگیری از نابودی جنگل به کار می برد و در قسمت هایی که به حریم جنگل تجاوز گردید با غرس تدریجی درختان غیربومی مانند پیسه آ سدر و کاج، جنگل را از خطر نابودی نجات می بخشد و تا حدودی هم در این کار موفقیت به دست آورده است.^۱

مهمترین درختان و گیاهانی که در محدوده شهرستان یافت می شوند عبارتند از:

نام محلی رامسری	نام درخت
آزار دار ^۲	۱- آزاد
دیوهوَلو ^۳	۲- آلوچه جنگلی
پَلَم ^۴	۳- آقظی - پَلَهَم

۱- گزارش توجیهی اجرای قانون تعریف و ضوابط تقسیمات کشوری.

۲- چوب آن سخت و محکم است و غالب صندوق ها و درهای بقاع امامزاده ها از این نوع چوب ساخته شده است.
 ۳- واژه دیو در گویش رامسری اگر در مورد انسان به کار رود به معنای دیوانه است و مترادف با واژه «نور» در گویش محلی رامسری می باشد و چنانچه در مورد نباتات و اشجار به کار رود به معنای وحشی و جنگلی می باشد. این میوه در شهریور ماه می رسد و از آن رب تهیه می کنند و بسیار ترش است. دانه های این میوه نسبتاً ریز است و برای بعضی از امراض نافع می باشد.

۴- آقظی که در گویش محلی رامسری «پَلَم» نام دارد در حاشیه جنگلهای شمال ایران و اراضی جلگه ای به وفور می روید میوه اش در پزشکی کاربرد دارد. گلپایش سفید و چتری است و میوه اش سیاه رنگ و ریز به شکل دانه های ماش می باشد، در رامسر هنوز شیره اش برای درمان سرفه به کار می رود. دارویی مؤثر و بی ضرر و خوش طعم می باشد. در گویش محلی شیره اش را مَزْجُوم می نامند و به مربای آلبالو می ماند و بسیار نافع است.

دیو کُنسه ^۱	۴ - ازگیل - آزگیل
لو	۵ - اوجا
دیو آینجیل	۶ - انجیر جنگلی
میزی ^۲	۷ - بلند مازو - مازو
فیکادار	۸ - بید
بُلت ^۳	۹ - پَلت = آفرا
سردانه ^۴	۱۰ - توت وحشی
تُساه	۱۱ - توسکا
چناردار	۱۲ - چنار

۱. در جنگلهای رامسر به ویژه جنگل دُرمد فراوان است و میوه اش ریز و ترش می باشد. رسیده اش خوش طعم است و در اواخر شهریور آن را می چینند. می گویند میوه مورد علاقه خرسها می باشد، تجمع خرسها در اواخر شهریور در جنگلهای ازگل خیز، مؤید این مدعا است. مصرف کُنس ترشی همچون سیر ترشی از قدیم متداول بوده و هنوز هم در میان مردم بیش و کم متداول است. از شاخه این درخت دسته تبر و چوبدستی تهیه می کردند و این به خاطر سختی و محکمی چوب آن می باشد.
۲. چوب آن سخت و محکم است و به ندرت دچار کرم خوردگی می شود. در اغلب بناهای قدیمی به ویژه بناهای مناطق کوهستانی این نوع چوب به کار رفته است. ظاهراً در مناطق کوهستانی چوب مازو دچار کرم خوردگی نمی شود.
- بلند مازو در جنگلهای شمال ایران وجود دارد و از سایر گونه ها فراوانتر است و تا ارتفاع زیادی بالا می رود. درون چوب قرمز مایل به قهوه ای تا قهوه ای شکلاتی مایل به خاکستری است و به تدریج در هوا تیره می شود. چوب درختان جوان سخت تر از مسن است. (جنگلها و گسترش کویرهای ایران، ص ۶۲).
۳. برگ این درخت پهن است و رنگ دو روی آن سبز روشن می باشد و در گویش محلی ضرب المثل شده و به آدم دو رنگ و متلون می گویند: «فلانی پُلدولگ مانه» یعنی فلانی مانند برگ پلت است.
۴. طعم توت فرنگی دارد و دانه های آن ریز می باشد و در تپه های اطراف جواهرده به وفور یافت می شود.
۵. این درخت دو گونه است: قشلاقی و ویسلاقی و تا ارتفاع دو هزار متری پراکنده می باشد (جنگلها و گسترش کویرهای ایران، ص ۶۶) نوع ویسلاقی آن مرغوبتر و بادوام تر است. دارای تانن یا مازو است که در صنعت چرمسازی به کار می رود. (جنگلها و گسترش کویرهای ایران، ص ۸۸).

تَو	۱۳- تویی - انجیلی
اربا ^۱	۱۴- خرمندی - خرماي آرَبه
شَقَرُ دار ^۲	۱۵- درخت ابریشم - شب خُسب - هزار برگ
راش	۱۶- راش
میالسک ^۳	۱۷- زرشک وحشی
سَر	۱۸- زرین = سور
دیوزیت ^۴	۱۹- سنجد تلخ
سُرُدار ^۵	۲۰- سرخدار
اسپی دار	۲۱- سفیدار

۱. این درخت تا ارتفاع ۱۱۰۰ متری سطح دریا می‌روید و در کلیه جنگلهای ایران وجود دارد. در رامسر آریا و در مازندران خرمندی می‌نامند (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه خرمندی)، عصاره آن دوشاب نامیده می‌شود.
۲. پوست این درخت را به گاو می‌دهند تا شیرش زیاد شود. ذغال چوب آن زود خاکستر می‌شود. برگش شبها جمع و روزها باز می‌شود و به همین دلیل شب خُسب می‌نامند (فرهنگ گیل و دیلم، ص ۳۶۰) چوب این درخت دارای استحکام خارق العاده‌ای است و هیچگاه دچار پوسیدگی یا کرم خوردگی نمی‌شود. نگارنده چوبهایی از این نوع درخت را مشاهده نموده است که با گذشت بیش از دو قرن با وجود رطوبت شدید هنوز سالم و بدون کرم‌خوردگی می‌باشد. متأسفانه سالهاست که بر اثر نوعی آفت زدگی در جنگلهای رامسر از میان رفته است و دیگر درختی به نام شب خُسب در این منطقه وجود ندارد.
۳. در اطراف بقعه رستم سَر جواهرده به وفور یافت می‌شود و مردم از آن ربّ تهیه می‌کنند و بسیار نافع می‌باشد.
۴. چوب این درخت سخت و محکم است و در اراضی جلگه‌ای رامسر به وفور یافت می‌شود.
۵. از درختان سوزنی برگ است و بیشتر در ارتفاعات متوسط جنگلهای شمال دیده می‌شود و تا ارتفاع ۳۰۰۰ متر از سطح دریا می‌روید. درون چوب درخت سُر قرمز مایل به قهوه‌ای است، چوب آن سخت و سنگین و دارای الیافی یکنواخت و رشد آن نامنظم و در برابر موربانه و سایر حشرات مقاوم و از دوام زیاد برخوردار است و سالها بدون آن که فساد می‌دهد مورد استفاده قرار می‌گیرد. (جنگلها و گسترش کویرهای ایران، ص ۶۱) جنگل معروف سُر دار در ضلع شمال غربی جواهرده رامسر در آن سوی کیاکن واقع است. قطع بی‌رویه این گونه درختان در گذشته نه چندان دور این جنگل را از اهمیت انداخته است.

دیو هینسی ^۱	۲۲- سیب جنگلی
شوشار ^۲	۲۳- شمشاد
صنوبر ^۳	۲۴- صنوبر
عرعر	۲۵- عرعر
فندق	۲۶- فندق
آغزدار ^۴	۲۷- گردو

۱. سابقاً در جواهر ده به وفور یافت می شد و امروزه به ندرت به چشم می خورد. میوه اینگونه درختان به اندازه دانه های فندق است و مزه ترش دارد و در سابق، از آن رب تهیه می کردند. در خیاط منزل نگارنده سالها پیش این درخت خود نمایی می کرد اما متأسفانه چندین سال است که خشکیده و از میان رفته است. رسیده این میوه بسیار خوشمزه می باشد.

۲. شمشاد جنگلی در حاشیه جنگلهای رامسر فراوان است و در اطراف بعضی اماکن مشاهده می شود. چندین اصله از این نوع درختان در ضلع جنوبی هتل بزرگ رامسر که روزگاری بقعه آقا سید اسماعیل کیا در آن مکان وجود داشت هنوز خودنمایی می کند و یاد آور روزگاری است که بقعه برقرار بود و مردم از دور و نزدیک برای زیارت بدانجا می رفتند این بقعه به دستور پهلوی اول هنگام بنای هتل تخریب شد. در برگ اینگونه درختان (شمشاد جنگلی) ماده ای به نام بوکسین موجود است که در پزشکی به عنوان مسهل و داروی قی آور تجویز می شود و در برگ آن مقداری ازت است که به عنوان کود درخت مو به کار می رود. (جنگلها و گسترش کویرهای ایران، ص ۸۶) در گذشته نه چندان دور مردم رامسر از برگ شمشاد جنگلی که در تمام فصول سبز و خرم است به عنوان داروی ضد کرم قلابدار استفاده می کردند طریقه استفاده از آن چنین بود که: نخست برگ تازه شمشاد جنگلی را می سایدند و آنگاه با مقداری آب مخلوط کرده و به بیمار می خوراندند. داروی مؤثر و مفیدی بود. قبل از رواج شانه های پلاستیکی از چوب این درخت شانه می ساختند که متأسفانه متروک شد. از این چوب برای کارهای تزئینی، هنری، منبت کاری و خاتم کاری استفاده می شود. چوب شمشاد رنگ زرد مایل به قهوه ای دارد.

۳. برگه های از درخت تبریزی پهن تر است. درخت تبریزی از نوع، صنوبر می باشد و در اراضی جلگه ای، در باغها و حیاط خانه به وفور به چشم می خورد. اگر در فصل زمستان که زمان خواب درختان است درخت تبریزی قطع شده باشد مقدار آب آن $51/18$ یعنی حد اکثر می باشد (جنگلها و گسترش کویرهای ایران، ص ۸۷).

۴. در جنگلهای رامسر درخت گردو همچون اراضی جلگه ای به وفور یافت می شود. در منطقه جنگلی تپچمیر رامسر انبوهی از این درختان به چشم می خورد. درخت گردو در ایران یکی ←

دیو آوَرَبُو ^۱	۲۸- گلابی وحشی
هَوَل دانکا ^۲	۲۹- گیلاس جنگلی
کُهَل	۳۰- لُرگ
کَرَات ^۳	۳۱- لَبَلک - لَبَلکی
جَلَم	۳۲- مَمَرَز
دیورَز ^۴	۳۳- مَو وحشی
ملج	۳۴- نارون
گاو کُهَل ^۵	۳۵- نَمَدار (زیزفون)

← از بهترین درختان جنگلی ایران به شمار می آید و اهمیت بین المللی در، صنایع چوبی دارد. آن زمان که، صدور چوب گردو به خارج از کشور آزاد بود فرانسه از خریداران دائمی آن بود و سفیر کبیر درختان، صادراتی نامیده می شد. (جنگلها و گسترش کوبیرهای ایران، ص ۸۹).

۱. گلابی وحشی: از گونه های وحشی این درخت چهار نوع در ایران شناخته شده، دو گونه آن در جنگلهای شمال ودو گونه نیز در نواحی اسپتی کوهستانی مشاهده گردیده است. (جنگلها و گسترش کوبیرهای ایران، ص ۷۰) در محوطه اجدادی نگارنده واقع در انتهای آخوند محله رامسر یک درخت گلابی وحشی تا سالهای اخیر وجود داشت که هر ساله محصول زیادی به بار می آورد و میوه اش به اندازه دانه فندق بود و رسیده اش بسیار خوش مزه بود. در گویش محلی رامسری این نوع از درختان را گل آوَر بودار می نامند.

۲. گیلاس جنگلی در گویش محلی رامسر هول دانکا نام دارد در منطقه رامسر گیلاس را روی این درخت پیوند می کنند.

۳. این نوع از درختان در جنگلها و اراضی جلگه ای رامسر به ویژه در کرانه دریای خزر فراوانند. خارهای جوالدوزی دارد و پيله اش غذای مقوی زمستانی برای گاو و گوسفند است. آدمهای حقه باز و پر شيله و پيله را به تمسخر کرات دار (درخت کرات) می گویند. (فرهنگ گیل و دیلم) خارهای این درخت در گویش محلی رامسری «کرات توَلُو» نام دارد.

۴. ظاهراً محل اولی مو «تاک» سازندران بوده است (تاریخ ایران نوشته سرپرستی سایکس ج ۱، ص ۳۹) میوه اش در گویش محلی رامسری «دیو آوَنگور» نام دارد. مو در شمال ایران از شاخه های درخت بالا می رود و رشدی سریع دارد و در آنجا بارور می شود و خوشه هایش در لابلای شاخه های درختان جلوه خاصی دارد.

۵. به علت قطع بی رویه درختان جنگلی به ویژه در سال های اخیر به دست افراد سودجو و ناآگاه و شرکت هایی تحت عنوان «شرکت های تعاونی...» در حال انقراض است. سابقاً در ←

۳۶- ون- زبان گنجشک

ون^۱

۳۷- اورکاریا

کاج مطبق^۲

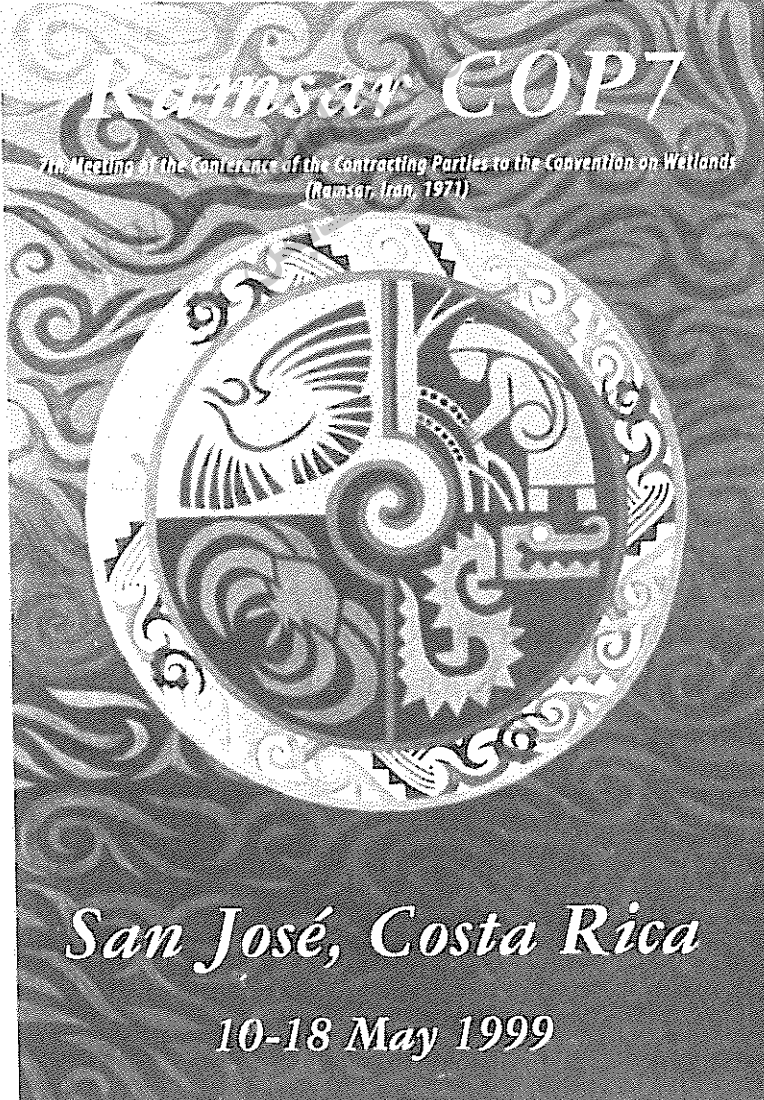
کنوانسیون علمی بین‌المللی محیط زیست رامسر

یکی از مهمترین کنوانسیونهای علمی بین‌المللی حاضر، کنوانسیون رامسر می‌باشد که ایران در سال ۱۳۴۹ش بانی آن بوده است. این کنوانسیون که هم‌اکنون ۱۰۶ کشور جهان عضو آن بوده و ۸۹۶ تالاب را با مساحتی بالغ بر ۶۷ میلیون هکتار در فهرست تالاب‌های مهم بین‌المللی تحت عنوان RAMSAR SITE (رامسر سایت) ثبت کرده است به دلیل سوابق تحقیقاتی و ارشادی خود در زمینه مدیریت و بهره‌برداری اصولی از تالابها دارای اعتبار و شهرت جهانی است و در امر جلب همکاری دولتهای جهان برای حفاظت تالابها موفق بوده است. طی آخرین اجلاس این کنوانسیون که سال گذشته در استرالیا تشکیل شد روز ۱۳ بهمن که در واقع روز تأسیس آن در شهر رامسر بوده به عنوان روز جهانی تالابها نامگذاری گردید، این کنوانسیون به نام کنوانسیون رامسر معروف است و در مکاتبات عمومی آن که روزانه برای اکثر کشورهای عضو و غیرعضو ارسال می‌گردد، چندین بار اسم رامسر کاملاً عنوان می‌شود و اگر هم کنوانسیون تالابها ذکر گردد بلافاصله بعد از آن (RAMSAR IRAN) ذکر می‌شود. در فروردین ماه ۱۳۷۷ش دبیرکل این کنوانسیون آقای دلمار بلاسکو که به رامسر سفر کرده بود طوری از رامسر صحبت می‌کرد که گویی قسمتی از وجود اوست. وی اظهار داشت که ما روزانه چندین بار این کلمه (رامسر) را می‌نویسیم و یا به زبان می‌آوریم

← جنگل‌های رامسر فراوان بود، تا ارتفاع ۲۳۰۰ متری می‌روید و چوب درون آن قهوه‌ای روشن است. (جنگلها و گسترش کویرهای ایران، ص ۶۷).

۱. درختی است دیر رشد که در مناطق جنگلی، کوهستانی و جلگه‌ای فراوان به چشم می‌خورد. در جواهرده رامسر درختان قطوری از این نوع در میادین و جلو بعضی منازل خود نمایی می‌کند. چندین اصله درخت ون در میدان بزرگ جواهرده هست که محیط یکی از آن‌ها هفت متر است و عمرش به بیش از چهارصد سال می‌رسد. چوب این درخت سخت و محکم و بادوام است.
۲. باتشکر از آقای مهندس ببری معاون دفتر جنگل‌ها و پارک‌های سازمان جنگلها و مراتع که از راهنمایی‌های شان در این مقال استفاده شده است.

و در تمام کشورهای عضو که حداقل در یک نقطه آن تالاب قرار دارد به عنوان رامسر معروف است. در کشور ما نیز ۱۸ تالاب وجود دارد که عضو کنوانسیون رامسر می باشند.^۱



آرم کنوانسیون بین‌المللی محیط‌زیست

۱. از آقای عباسعلی منصورکیانی، رئیس اداره محیط‌زیست شهرستان رامسر.

آبشارهای رامسر

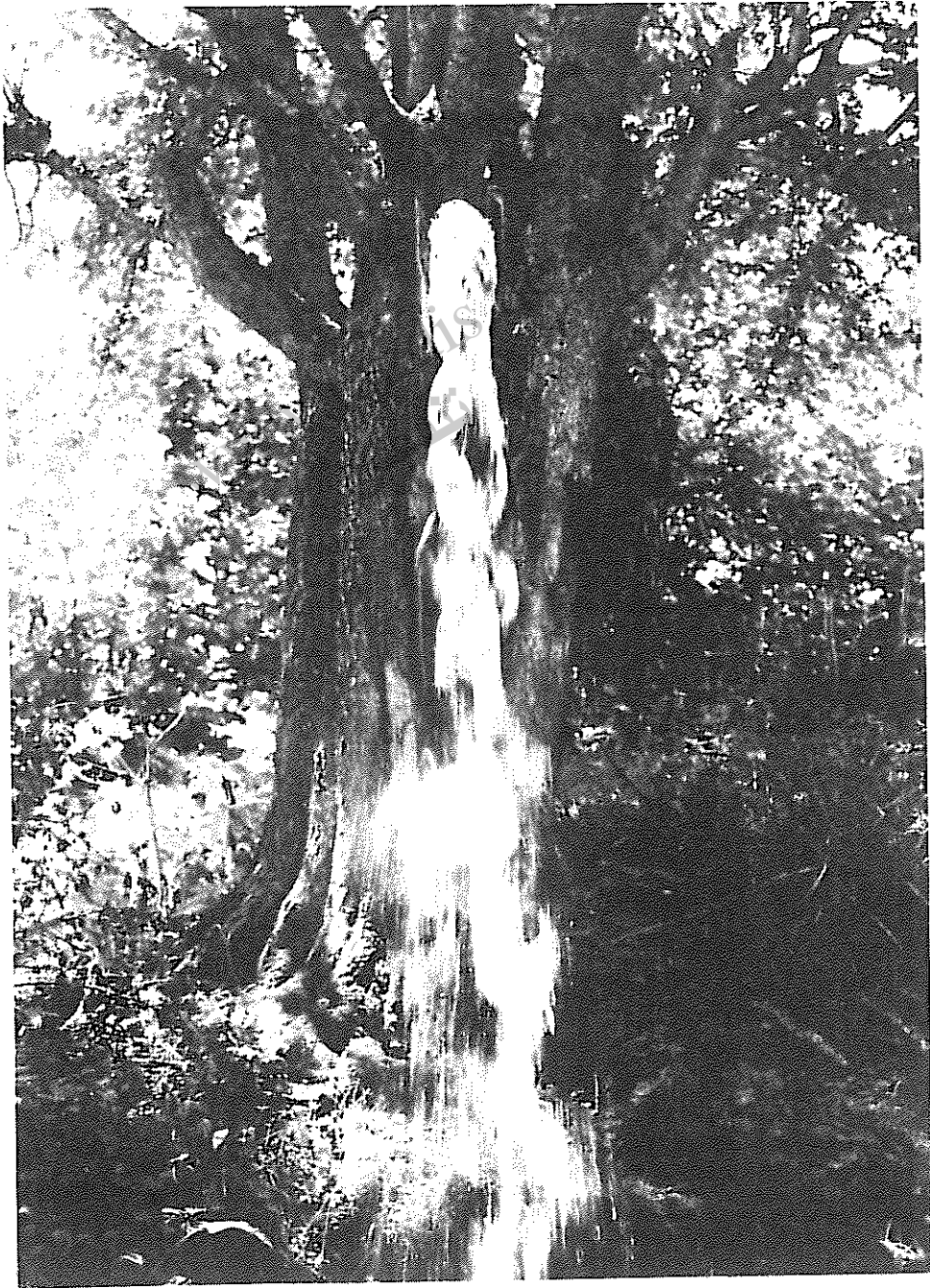
در ارتفاعات و مناطق کوهستانی شهرستان رامسر چندین آبشار با چشم اندازی زیبا وجود دارد که اغلب مردم جز آبشار دره راشمه در جاده جواهر ده از بقیه بی خبرند. این آبشارها عبارتند از:

- ۱- آبشار جنگلی همیستان^۱ واقع در جاده کوهستانی پلهم جان جنت رودبار.
- ۲- آبشار خشکاکه در جنگلهای جاده هریس رامسر جریان دارد.
- ۳- آبشار لیج و میج که در مجاورت روستاهای لیج و میج اشکور رامسر در جریان است.
- ۴- آبشار دره راشمه واقع در ضلع شمال غربی جاده جواهر ده.



آبشار در جاده رامسر به جواهرده

۱- همی در گویش محلی به معنای سبب است و با پسوند «ستان» موضعی را گویند که در آن درختان سبب جنگلی



درختی در ماسراش که از درون آن آب فوران می‌کند
عکس از اسماعیل بهاری